

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الغدیر ہمارا

جلد دوم

(غدیرہ سرایان)

قرن اول تا چہارم ہجری قمری

مؤلف:

علامہ عبدالحسین امینی نجفی

گزینش و ترجمہ

سید ابراہیم سید علوی



انتشارات نیا

سرشناسه	: امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۹
عنوان قراردادی	: الغدير فی الكتاب و السنه و الادب. فرسی. برگزیده.
عنوان و نام پدیدآور	: الغدير همراه / مؤلف عبدالحسین امینی نجفی؛ گزینش و ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۸۹ ص. ۳۵۰۰۰ ریال
شابک	: ۴-۰۳۱-۰۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸ ج ۲.
وضعیت	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه، گزینش و انتخاب کتاب «الغدير» اثر عبدالحسین امینی است.
مدرجات	: واقعه غدیر
موضوع	: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ سال قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت
موضوع	: غدیر خم
شناسه افزوده	: سید علوی، سیدابراهیم، ۱۳۱۸ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره	: BP ۲۲۳/۵۴ الف ۸ ع ۱۳۹۳ ۴۰۴۲۱۴۶
رده‌بندی دیوبی	: ۲۹۷/۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۷۳۴۴۱



انتشارات نبأ

الغدير همراه (جلد ۲) (غدیریه سرایان)

قرن اول تا چهارم هجری قمری

علامه عبدالحسین امینی نجفی

گزینش و ترجمه: سیدابراهیم سیدعلوی

ویراستار: عبدالحسین فخاری

حروفچینی و صفحه‌آرایی: چکاد

لیتوگرافی: ندا گرافیک / چاپ: دالاهو / صحافی: صالحانی

چاپ: اول ۱۳۹۳ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان بهارشیراز،


کوچه مقدم، نبش ادیبی، پلاک ۲۶، طبقه سوم

تلفکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲ - ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۴-۰۳۱-۰۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸

فهرست

۷	پیشاهنگ سخن.....
۹	شعر و شاعران.....
۹	شعر و شاعران در کتاب و سنت.....
۱۰	هاتفان غیبی.....
۱۰	کاروان شاعران.....
۱۱	شعر و شاعران در نزد امامان.....
۱۱	شعر و شاعران در نزد سرشناسان امت.....
۱۳	قرن اول.....
۱۳	اول: امیرمؤمنان علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۱۵	دوم: حسان بن ثابت.....
۱۸	سوم: قیس بن سعد بن عباده.....
۱۹	خاندان قیس.....
۱۹	شرف و سیادت او.....
۱۹	امارت و ریاست او.....
۲۰	سیاست‌دانی او.....
۲۰	شجاعت و سلحشوری او.....
۲۰	سخاوت و بخشندگی.....
۲۰	سخنوری او.....
۲۱	زهد قیس.....
۲۱	فضیلت قیس.....
۲۱	دینداری و التزام به مذهب.....
۲۲	قیس راوی حدیث و.....
۲۲	قیس با معاویه.....
۲۳	چهارم: عمرو عاص.....
۲۵	پنجم: محمد حمیری.....
۲۷	ششم: کمیت بن زید اسدی.....
۲۹	قرن دوم.....
۲۹	هفتم: سید حمیری.....
۳۰	غدیرت‌های سید.....

۱. قافیۀ أ: ۳۰
۲. بائیّه: ۳۱
۳. حائیه: ۳۱
۴. دالیّه: ۳۲
۵. دالیّه‌ای دیگر: ۳۲
۶. رائیه: ۳۲
۷. رائیه‌ای دیگر: ۳۳
۸. رائیه سوم: ۳۳
۹. رائیۀ پنجم: ۳۳
۱۰. عینیّه: ۳۴
۱۱. قصیدۀ لامیّه: ۳۵
۱۲. لامیّه‌ای دیگر: ۳۵
۱۳. لامیۀ سوم: ۳۵
۱۴. لامیۀ چهارم: ۳۶
۱۵. قصیدۀ میمیّه: ۳۶
- داستانی شنیدنی: ۳۷
۱۶. قصیده‌ای دیگر: ۳۸
۱۷. قصیدۀ سوم: ۳۸
۱۸. قصیدۀ چهارم: ۳۸
- نکته‌ای دربارهٔ میمیّات سید حمیری : ۳۹
۱۹. نوبیّه: ۳۹
۲۰. نوبیه‌ای دیگر: ۳۹
۲۱. قصیدۀ یائیه: ۳۹
۲۲. یائیه‌ای دیگر: ۴۰
۲۳. یائیۀ سوم: ۴۰
- هشتم: عبدی کوفی ۴۱
- قرن سوم ۴۳
- نهم: ابوتمام طائی ۴۳
- دهم: دعبل خزاعی شهید ۴۴
- ابعاد شخصیت دعبل: ۴۵
- یازدهم: ابواسماعیل علوی ۴۶
- دوازدهم: وامق نصرانی ۴۶
- سیزدهم: ابن الرومی ۴۸
- چهاردهم: حِمّانی افوّه ۴۹
- اما غدیریّه او: ۴۹
- نقد و اصلاح: ۵۰
- قرن چهارم ۵۳
- پانزدهم: ابن طباطبائی ۵۳
- شانزدهم: ابن علویّه اصفهانی ۵۴

- ۵۵..... ہفدھم: المفجع، محمد بن احمد
- ۵۶..... ہجدھم: ابوالقاسم صنوبری احمد بن محمد
- ۵۷..... نوزدھم: قاضی تنوخی
- ۵۸..... بیستم: ابوالقاسم زاہی
- ۶۰..... بیست و یکم: ابوفراس حمدانی
- ۶۱..... غدیرتہ حمدانی:
- ۶۲..... بیست و دوم: ابوالفتح کشاجم
- ۶۳..... غدیرتہ کشاجم:
- ۶۴..... بیست و سوم: ناشی صغیر
- ۶۵..... غدیرتہ ہا:
- ۶۶..... بیست و چہارم: بشنوی کردی
- ۶۷..... غدیرتہ ہا بشنوی:
- ۶۸..... بیست و پنجم: صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵)
- ۶۹..... غدیرتہ ہا صاحب:
- ۷۰..... بیست و ششم: گوہری گرگانی
- ۷۱..... غدیرتہ ہا گوہری:
- ۷۲..... بیست و ہفتم: ابن حجاج بغدادی
- ۷۳..... غدیرتہ ہا:
- ۷۴..... بیست و ہشتم: ابوالعباس ضبی (م: ۳۹۸)
- ۷۴..... غدیرتہ او:
- ۷۵..... بیست و نہم: احمد بن محمد انطاکی
- ۷۵..... سی: ابوالعلاء سروی
- ۷۶..... غدیرتہ:
- ۷۷..... سی و یکم: ابومحمد عون
- ۷۷..... غدیرتہ او:
- ۷۸..... سی و دوم: ابن حماد عبدی
- ۷۹..... ۱. قصیدہ لامیہ:
- ۸۰..... ۲. قصیدہ رائیہ:
- ۸۰..... ۳. قصیدہ نونیہ:
- ۸۰..... ۴. قصیدہ رائیہ دیگر:
- ۸۱..... ۵. رائیہ ای دیگر:
- ۸۱..... ۶. نونیہ ای دیگر:
- ۸۲..... ۷. قصیدہ ای میمیہ:
- ۸۲..... ۸. قصیدہ عینیہ:
- ۸۳..... ۹. با قافیہ قاف:
- ۸۴..... ۱۰. با قافیہ عین:
- ۸۴..... ۱۱. قصیدہ ہائیہ:
- ۸۵..... ۱۲. قصیدہ دالیہ:
- ۸۶..... سی و سوم: ابوالفرج رازی، محمد بن ہندو

- غديرية او: ۸۶
- سى و چهارم: جعفر بن حسين ۸۶
- سى و پنجم: ابونجيب طاهر جزرى ۸۷

پیشاهنگ سخن

در جلد نخست، با روشن‌ترین حقایق که معنا و مفهوم حدیث غدیر بودند، آشنا شدیم. حدیثی که بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت صریح دارد؛ طوری که برای هیچ گوینده جدال‌گری، مجال سخن باقی نگذاشته است. در جلد دوم، به حدیث غدیر در شعر شاعران که آن را ماندگارتر نمودند، می‌پردازیم.

شعر و شاعران

به‌طور کلی در تأثیر شعر بر اذهان عمومی جای تردید نیست؛ مقصود ما از شعر، تنها کلام منظوم نیست؛ بلکه مراد آن نظم و نثری است که مضامین کتاب، سنت، معارف و مطالب معقول را در برداشته باشد.

شعر و شاعران در کتاب و سنت

رسول خدا شعر و شاعران متعهد را استقبال می‌کرد، از شنیدن برخی اشعار و یاد آن‌ها احساس خوبی داشت و گاهی آن‌ها را مانند شعر ابی‌طالب، بر زبان جاری می‌ساخت.

پیامبر ﷺ از شنیدن شعر عمرو بن سالم شاد شد و ابیاتی از آن را قرائت فرمود و گاهی با بعضی از آن‌ها رجز می‌خواند.

لا همّ لو لا انت ما اهتدینا ولا تصدقنا ولا صلینا...^۱

غمی نیست، اگر تو نبودی ما هدایت نشده بودیم، صدقه و زکات نداده و نمازگزار نبودیم.

(خدایا) آرامش بر ما نازل فرما و به هنگام دیدار دشمن، گام‌هایمان را استوار گردان. همانا اینان بر ما ستم و تجاوز کردند و اگر به دنبال فتنه و آشوب باشند جلوی آن‌ها را خواهیم گرفت.

هاتفان غیبی

در تبلیغات دینی، شعرهایی که از هاتفی شنیده می‌شد و گوینده آن دیده نمی‌شد، فراوان است. ورقه گوید در شب ولادت پیامبر ﷺ در کنار بتی خوابیده بودم از جوف آن شنیدم: پیامبر ﷺ زاده شد، شاهان خوار و زبون شدند. گمراهی دور شد و شرک پشت کرد و رفت.

کاروان شاعران

به یمن کتاب و سنت، تعدادی از صحابه شاعر پیرامون پیامبر اکرم ﷺ گرد آمده بودند که همانند شیران قوی پنجه و شاهین‌های تیزچنگال، شرک و ضلالت را هدف می‌گرفتند. علامه امینی بیست تن از آنان را نام می‌برد.^۱ و حتی بانوانی از قریش و جز آنان، درباره پیامبر ﷺ شعرها سروده‌اند. از جمله شیما خواهر رضاعی رسول خدا ﷺ.

۱. همان، ۱۷/۱.

یا رینا أبق لنا محمداً حتی اراه یا فعاً و امردا
 ثم اراه سیداً مسدداً واکبت اعادیه معاً والحسدا
 وأعطه عزاً یدوم ابداً

پروردگارا محمد را برای ما نگهدار تا من او را نوجوان و شاداب بینم و آن‌گاه و سرور بینمش، دشمنان و حسودانش را خوار گردان و همواره او را عزت پایدار ببخش.

شعر و شاعران در نزد امامان

تبلیغ دین و یاری حق با زبان شعر توسط شاعران متعهد در زمان امامان معصوم نیز، همانند عصر رسول خدا ﷺ، مطرح بوده است. شاعران اهل بیت با قصائد خود به حضور می‌رسیدند و اشعار خود را می‌خواندند و مورد تشویق واقع می‌شدند و صله و جایزه دریافت می‌کردند. هر چند که آنان به نیت دریافت صله، شعر نمی‌سروده‌اند.

امام باقر علیه السلام به فرزندش امام صادق علیه السلام وصیت کرد که از اموال من موقوفه‌ای در نظر بگیر که تا ده سال در منی موقع اجتماع انبوه مردم برای من نوحه‌سرایی کنند.

شعر و شاعران در نزد سرشناسان امت

علما و سرشناسان امت به پیروی از امامان اهل بیت علیهم السلام به شعر و شاعران ارج می‌نهادند. برای مثال، شیخ کلینی کتابی

دارد به عنوان «شعرهایی که دربارهٔ اهل بیت سروده شده است» و همچنین شیخ صدوق و حتی مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی در سامراً مجال می‌داد که شاعران شعرهایشان را مطرح کنند، شیخ حیدر حلّی را تجلیل کرد و صله‌ای درخور داد.^۱

حمد و سپاس برای پروردگار جهانیان

آخرین دعای ما است.

قرن اوله

اول: امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام

ما برای تیمن و تبرک با نام و یاد علی علیه السلام آغاز می‌کنیم که او جانشین بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، درود خدا بر ایشان، فصیح‌ترین عرب، آشناترین قوم به شیوه‌های سخن بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کلمه‌های قدسی‌اش او را با پانزده وصف و عنوان یاد کرده است.^۱

امیرمؤمنان سرور و آقای مسلمانان، پیشوای سپیدپیشانیان، خاتم اوصیا، اولین ایمان آورندگان، باوفاترین مردمان در عهد و پیمان، دارنده بزرگترین مزیت، استوارترین و پایدارترین در فرمان خدا، داناترین و داورترین یاران، پرچم هدایت، مشعل ایمان، باب حکمت، درک کننده خدا با تمام وجود و خلیفه پیامبر که درود بر آنان و خاندانشان.

علی بن ابی طالب، هاشمی پاک، زاده کعبه مشرفه،

۱. رک: مسند احمد، ۱/۳۳۱؛ ۵/۱۸۲-۱۸۹.

پاک‌کننده آن از لوث همهٔ بتان، شهید در خانهٔ خدا به سال ۴۰ هـ (مسجد کوفه) و در محراب آن، هنگام نماز و... بدین ترتیب، او زندگانی را در بزرگ‌ترین خانه خدا آغاز کرد و در خانه خدا هم شهید شد. میانه آن زاد و این شهادت، همواره رشتهٔ حیاتش به مبدأ اعلیٰ سبحانه پیوسته بوده است. معاویه در نامه‌ای به علی علیه السلام با طرح چند فضیلت، فخرفروشی کرده بود. علی علیه السلام تا آن نامه را خواند فرمود: پسر هند جگرخوار، فضیلت‌هایش را به رخ می‌کشد. ای کاتب در جواب او بنویس:

محمد، پیامبر، برادر و پسر عموی من است و حمزه سیدالشهداء، عموی من، و جعفر که هر صبح و شام همراه فرشتگان به پرواز درآید، پسر مادر من، برادرم است. دختر محمد صلی الله علیه و آله همسر من بوده که خون و گوشت او با خون و گوشت من درهم آمیخته است و دو سبط احمد پسران من، از اویند. پس کدامیک از شما بهره‌ای همانند بهرهٔ من دارید؟ در اسلام آوردن بر همهٔ شما پیشی جسته‌ام، آن هم از روی فهم و دانش.^۱

فاوجب لی ولایته علیکم رسول الله یوم غدیر خم
پس رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم ولایت خود را، که

۱. رک: تاریخ ابن عساکر، شرح ابن ابی الحدید و معجم الادباء با اندک تفاوتی در مفردات برخی ابیات.

بر شما داشت، برای من لازم دانست؛ پس - وای و باز وای - بر کسی که فردای قیامت، با ستم کردن بر من خدا را دیدار می‌کند. وقتی معاویه آن نامه را خواند، گفت: آن را پنهان نمایم و به کسی نشان ندهم؛ مباد اهل شام از مضمون آن آگاه شوند و به علی علیه السلام تمایل پیدا کنند. علامه امینی می‌نویسد این موضوع از مسلمات تاریخ و حدیث است و بزرگان امامیه، بالغ بر یازده تن، و سرشناسان عامه، قریب بیست و شش تن، آن را آورده‌اند.^۱

دوم: حسان بن ثابت

ابوالولید حسان بن ثابت از خانواده‌های شعر و ادبیات، به‌شمار آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد برای او منبری نهاد که در آن می‌ایستاد و در فخر و منقبت رسول خدا صلی الله علیه و آله شعر می‌خواند و پیامبر می‌فرمود: خدا حسان را مادامی که در حق ما شعر می‌گوید، تأیید کند.

حسان در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد شعر می‌خواند. اما پس از رحلت رسول خدا، عمر او را منع کرد. اولین شعری که او درباره غدير ختم و در همان روز سرود و مایه شادی پیامبر و یاران او گردید، با این بیت معروف آغاز می‌شود:

۱. فصول مختارة، شیخ مفید ۷۸/۲؛ کنزالفوائد ۱۲۲؛ روضةالواعظین ۷۶/ و جز این‌ها از سرشناسان اهل سنت نیز: بیهقی، محمدبن طلحه شافعی، سبط ابن جوزی و دیگران.

ینادیهیم یوم‌الغدیر نبیهم بخرم و اسمع بالنبی منادیایا...
 یعنی روز غدیر، پیامبر مسلمین در «خرم» آنان را ندا در داد و
 چه شایسته است شنیدن ندای پیامبر؛ که فرمود: چه کسی، پیامبر
 و مولای شماست؟ گفتند در حالی که هیچ پنهان‌کاری نداشتند:
 خدای تو مولای ماست و شما پیامبر ما هستید و در امر ولایت و
 سرپرستی خود ما را نافرمان نخواهی یافت. پیامبر فرمود: بایست
 ای علی! که من خشنودم، تو پس از من پیشوا و هادی باشی؛
 پس هر که من مولای اویم، اینک علی ولی و سرپرست اوست،
 پیروان راستین و اهل ولا برای او باشید. در آنجا دعا کرده و
 گفت: خدایا دوستدار او را دوست بدار و کسی را که با او
 دشمنی ورزید، دشمن باش.

این شعر حسّان، اولین شعر داستانی حدیث غدیر است که
 در حضور انبوه جماعت بیش از یکصد هزار نفری القا شده و
 در آن جمع، شعرشناس و سخنور و امثال آن کم نبوده است.
 علامه امینی رحمته‌الله می‌نویسد: حافظان حدیث که بالغ بر
 دوازده تن‌اند، آن اشعار را گزارش کرده‌اند و از سرشناسان
 امامیه هم بیست و شش تن، آن بیت‌ها را آورده‌اند.
 حسّان بن ثابت در دیوانش و جز آن، اشعار زیادی در شأن
 و منقبت علی علیه‌السلام گفته است. علامه امینی تعدادی از آن‌ها را
 آورده است:

۱. اشعاری که در آن‌ها به ماجرای درد چشم علی و

مداوای رسول خدا، حدیث پرچم، مهر و محبت علی علیه السلام به خدا و رسول خدا و مهر و محبت خدا و رسول خدا به علی علیه السلام، نوید فتح و پیروزی خیبر به دست امام و امثال آن اشاره کرده است.^۱

۲. اشعاری که برخی مناقب علی علیه السلام را یاد کرده، مانند مصداقیّت علی برای آیه شرح صدر و آزموده شدن با ایمان، و اعلمیّت او و امثال آن.^۲

۳. در نزول قرآن در شأن علی به عنوان مؤمن و یاد ولید به عنوان فاسق و نابکار.^۳

﴿افمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستوون﴾^۴

آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق بوده است؟ هرگز برابر نباشند.

۴. خاتم بخشی و نزول آیه‌هایی در شأن علی علیه السلام و نیز ماجرای شب میّت و امثال آن.

من ذا بخاتمة تصدق راعياً و اسرها في نفسه اسراراً
کیست که در حال رکوع، انگشترش را صدقه داد و آن را پنهان داشت؟^۵

۱. رک: المسترشد، طبری به نقل از ابن ابی شیبّه و جز آن.

۲. کنز العمال، ۱۵۳/۶، ۱۵۶، ۳۹۸ و ...

۳. حلیة الاولیاء، ۶۵/۱.

۴. سجده، ۱۸.

۵. کفایة الطالب، کنجی، ۱۲۳.

۵. حدیث:

«لافتی الا علی و لاسیف الا ذوالفقار»

جوانمردی جز علی و شمشیری غیر ذوالفقار نیست.^۱

۶. شعر حسان در منقبت فاطمه زهرا علیها السلام و دو سبط پیامبر حسن و حسین علیهما السلام.^۲

هر گاه مریم، عفت پیشه ساخت و پسری مانند ماه در
خشنده در تاریکی به دنیا آورد. هر آینه فاطمه نیز عفت و
پاکدامنی کرد و دو سبط پیامبر هدایت را به وجود آورد.

سوم: قیس بن سعد بن عباده

قلت لَمَّا بَغِيَ الْعَدُو عَلَيْنَا حَسْبُنَا رَبَّنَا وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ
يَوْمَ قَالَ النَّبِيُّ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ خُطْبَ جَلِيلٍ
أَنَّ مَا قَالَهُ النَّبِيُّ عَلَيَّ أَلَمَهُ حَتَّمْ مَا فِيهِ قَالَ وَ قِيلَ...
روزی که دشمن به ما تجاوز کرد، گفتم پروردگار ما را بس
است و چه وکیل و نماینده خوبی است.
پروردگاری که دیروز بصره را برای ما گشود و سخن طولانی
است. علی، پیشوای ما و همه امت است.

قرآن بر این معنا نازل شده است. روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله
فرمود: هر که را من مولایم، این علی مولای اوست، چه امر با
جلالتی. آن چه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود بر همه امت حتم و لازم بود و
جای سخن و گفت و گو نیست.

۱. تاریخ طبری، ۱۷/۳؛ الروض الانف، ۱۴۳/۲ و ...

۲. المناقب، ابن شهر آشوب، ۲۴/۴.

این اشعار را آن صحابی بزرگ، سرور خزرج در صفین و در حضور امیرالمؤمنین علی علیه السلام خوانده است. قیس فرزند سعدبن عبادہ صحابی بزرگی است که از اشراف، امیران، سیاست‌دانان، سلحشوران، بخشندگان، سخنوران، زاهدان و فاضلان عرب شمرده می‌شود و در دینداری و التزام مذهب، مکانتی داشته است.^۱

خاندان قیس

آل قیس در طول تاریخ از خاندان اصیل و شریف و سرآمد انصار بوده‌اند. قیس در این میان دارای مزایای وجودی فراوان بوده است. علامه امینی به استناد کتب معتبر تاریخ و حدیث درباره هر یک از عناوین یاد شده، مطالبی آورده است که ما گزیده‌ای را می‌آوریم.

شرف و سیادت او

او پیش از اسلام و پس از آن، از سروران و رؤسای خزرج بوده است.^۲

امارت و ریاست او

قیس در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پس از او به‌عنوان امیر و فرمانده تعیین شده و مأموریت‌های بزرگی به او واگذار شده است.^۳

۱. فصول مختارة، مفید، ۸۷/۲.

۲. الکامل المبرد، ۳۰۹/۱.

۳. صحیح ترمذی، ۳۱۷/۲؛ تاریخ یعقوبی، ۱۷۸/۲.

سیاست‌دانی او

میزان سیاست‌دانی و ذکاوت او، از تصمیم‌گیری‌های درست و به‌هنگام او فهمیده می‌شود. او در میان خزرجیان، از صاحبان رأی و نظر بوده و در سطح بالایی قرار داشته است.^۱

شجاعت و سلمشوری او

کتابی نیست که به شرح حال او بپردازد و دربارهٔ سلحشوری و شجاعت و سوارکاری او، سخن نگفته باشد. علامه، در این مورد، شواهد فراوانی را یاد کرده است.^۲

سفاوت و بفسندگی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص فرموده: سخاوتمندی و بخشایندگی از عادات پسندیدهٔ این خاندان بوده است.^۳

سفنوری او

قیس با آداب سخن، آشنا بوده و در انتخاب جمله‌ها و کلمه‌ها مهارت داشته است. او دلی نیرومند و زبانی گشاده و بیانی صریح داشت، سخن بلیغ و رسا می‌گفت و در بحث و مناظره به سبک‌های فراوان همراه با منطق و برهان، چیرگی و برتری نشان می‌داد که او از دانش کتاب و سنت و معارف بهره‌مند بوده است.^۴

۱. الاستیعاب، ۵۳۸/۲ و ...

۲. ارشادالقلوب، دیلمی، ۲۰۱/۲.

۳. الاصابه، ۲۴۹/۳ (۷۱۷۷)؛ الاستیعاب، ۲۲۴/۳.

۴. الامامة و السياسة، دینوری، ۹۳؛ سیره حلبی، ۹۳/۳؛ امالی شیخ طوسی، ۵۸.

زهد قیس

در زهد و بی‌علاقگی قیس به مظاهر دنیا، سخن مسعودی کافی است که گفته است: زهد و دینداری و تمایل قیس به علی بن ابی طالب ع جایگاه عظیمی داشته است.^۱

فضیلت قیس

سخنرانی‌های قیس که در کتب تاریخ و معجم‌های سیره آمده شاهد فضل اوست که او در معارف الهی و کتاب و سنت^۲ آگاهی‌ها داشته و ده سال خدمتکار رسول الله ص بوده و پس از رحلت پیامبر ص ملازم باب مدینه علم‌النبی علی بن ابی طالب ع بوده است و دانش‌ها از او آموخته است.^۳

هرگاه شرایطی را که ماوردی در واگذاری مسئولیت‌ها و امارت‌ها از سوی خلیفه مطرح کرده است در نظر بگیریم، او همه آن شرایط را یکسان داشته است.^۴

دینداری و التزام به مذهب

در میزان دیانت و التزام او به دین و مذهب همین بس که رسول خدا ص روزی دست به آسمان بالا برد و خاندان قیس را دعا کرد و فرمود: خدایا درود و رحمت خود را بر

۱. مروج الذهب، ۶۳/۳؛ رجال الکشی، ۶۳.

۲. اسد الغابة، ۲۱۵/۴.

۳. اسد الغابة، ۲۱۵/۴؛ طبری ۱۳۱/۵؛ ابن ابی‌الحدید ۲۵/۳.

۴. رک: الغدير، ۱۴۸/۳، چاپ مصحح، موسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی.

خانواده سعد فرو ریز یا فرمود: چه مرد خوبی است سعدبن عباده خدایا او و خانواده‌اش را مورد لطف و مرحمت قرار بده.^۱

قیس راوی مدیث و...

نام قیس در سلسله راویان حدیث نبوی آمده است و نیز از علی بن ابی طالب علیه السلام هم روایت دارد. چنان که از پدرش سعد هم حدیث گزارش کرده است.^۲ عده‌ای از اصحاب، از او نقل حدیث کرده‌اند. علامه امینی رحمته الله به نام سیزده تن، اشاره دارد.^۳

قیس با معاویه

مقام والای قیس درباره علی علیه السلام در برخوردهای وی با معاویه و بعکس هویدا است. وقتی معاویه از فریب نومید شد به شایعه پراکنی و سندسازی پرداخت. اما قیس قابل نفوذ نبود و بعد از شهادت سبط اکبر، امام حسن علیه السلام با معاویه صلح کرد و به مدینه رفت. مورخان گفتمان او و معاویه را در مدینه یاد کرده‌اند که او هم چنان پر صلابت باقی ماند. علامه امینی رحمته الله در این باب، مطالب سودمندی آورده است

۱. و آن دعا فقط به سبب وجود قیس در آن خاندان بوده است. رک: الامتاع

مقریزی / ۲۶۳-۵۱۵؛ تاریخ ابن عساکر، ۸۲/۶ و ۸۸؛ سیره حلبی، ۸/۳.

۲. کفایة الطالب، ۳۷؛ نورالابصار، ۸۷.

۳. تهذیب التهذیب، ۳۹۶/۸.

که باید مراجعه کرد و بالاخره قیس در مدینه به سال ۵۹ یا ۶۰ وفات یافته است.^۱

چهارم: عمروعاص

عمروبن عاص، یکی از پنج زیرک عرب است که فتنه‌ها از ایشان آغاز و به آن‌ها بر می‌گردد. پدرش به نص قرآن کریم «ابتر» است. [ان شائک هو الابتر]^۲ و مادرش نیز بی‌نیاز از تعریف است.

از نظر ابن‌ابی‌الحدید، به نقل از ابوالقاسم بلخی، عمروعاص و معاویه همواره ملحد و زندیق بوده و به آخرت اعتقاد نداشته‌اند.^۳

زیدبن ارقم، روزی معاویه و عمروعاص را با هم دید، آمد میان آن دو نشست و گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: وقتی این دو را باهم دیدید میانشان جدایی اندازید که آن‌ها هرگز برای خیر جمع نمی‌شوند.^۴ عمروعاص درباره‌ی علی علیه السلام گفته بود: علی علیه السلام شوخ و مزاح است. این سخن به گوش علی رسید فرمود: شگفتا پسر نابغه می‌پندارد و به مردم شام وانمود می‌کند که در من

۱. رک: الکامل ابن اثیر، ۱۱۷/۳؛ رجال الکشی، ۷۲؛ شرح ابن‌ابی‌الحدید، ۱۷/۴؛ عقدالفرید، ۱۲۱/۲ و جز آن‌ها.

۲. طبقات ابن‌سعد، ۱۱۵/۱؛ تفسیر کبیر؛ فخر رازی، ۵۰۳/۸.

۳. شرح نهج‌البلاغه، ۱۳۷/۱.

۴. صفین، نصر بن مزاحم، ۱۱۲.

شوخی و بیهوده‌گویی هست. بازیگری می‌کنم و می‌خندانم. آگاه باشید بدترین سخن، سخن دروغ است؛ خود اوست که می‌گوید و به دروغ لب می‌گشاید. وعده می‌دهد و خلاف می‌کند، می‌طلبد و اصرار می‌ورزد و اگر چیزی از او بخواهند بخل می‌کند و به عهد و پیمان خیانت کرده و عهد می‌شکند. هنگامی که جنگ آغاز شود شرمگاهش را وسیله نجات خویش قرار می‌دهد.^۱

عمرو عاص با بسیاری از صحابه پیامبر ﷺ موضع‌گیری‌های منفی و ناستودنی داشته است. علامه امینی رحمته الله در الغدير بزرگ به بیان آن‌ها پرداخته است.^۲

اما قصیده غدیریه او که به نام جلجلیه نامیده می‌شود. شصت و شش بیت است و سبب سرودن، آن بوده که معاویه از او خراج مصر می‌طلبید و او اعتنا نمی‌کرد. آخرین بار به او نوشت: نامه‌ها به‌سوی تو می‌فرستم و خراج مصر می‌طلبم و تو خودداری می‌کنی و نمی‌فرستی در یک کلام آن را بفرست. والسلام

عمرو عاص در جواب معاویه قصیده مزبور را نوشت که برخی از ابیات آن چنین است: چقدر از محمد مصطفی سفارش‌های ویژه در حق علی علیه السلام شنیده بودیم و در روز غدیر خمّ به منبری بالا رفت و کاروان ایستاده و حرکت نکرده، پیام را رسانید.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۴.

۲. الغدير، ۱۲۸/۱-۱۵۵.

آن‌گاه که تو را بالا بردیم خودمان به پایین‌ترین درجه افتادیم. آن‌گاه که دست در دست او داشت و امر خدای عزیز و برتر را اعلان فرمود:

الست بکم منکم فی النفوس باولی فقالوا بلی فافعل
 آیا من در نفوس و جان‌های شما از خود شما سزاوارتر
 نیستم؟ گفتند هستید؛ بفرمایید.

عمرو عاص با طرح واقعیت غدیر خم و امامت بر حق علی
علیه السلام معاویه را وادار به سکوت کرد و از مطالبه خراج مصر
 منصرفش ساخت.

این قصیده به صورت خطی در دو نسخه و مجموعه‌ای در
 مکتبه خدیویه مصر یافت می‌شود.^۱

پنجم: محمد ممیزی

او دوست عمرو عاص و رئیس دیوان لاک‌مهر نامه‌ها از سوی
 معاویه بوده است.^۲

علامه امینی علیه السلام یک قصیده هفده بیتی، در فضیلت علی
علیه السلام از او نقل کرده که در ضمن به حدیث غدیر نیز اشارت
 دارد و ترجمه چند بیت آن چنین است.

شما را به حق محمد صلی الله علیه و آله قسم، حق بگویید که دروغ

۱. فهرست مکتبه خدیویه، چاپ سال ۱۳۰۷/۴/۳۱۴؛ شرح جدید، ۵۲۲/۲.

۲. الوزراء و الكتاب جهشباری / ۱۵.

خصلت مردمان پست و رذل است. آیا پس از محمد رسول الله ﷺ، صاحب شرف و بزرگی - پدر و مادر فدای او - علی در میان مردم با فضیلت‌ترین و شریف‌ترین، خلق خدا نبوده است؟! ولایت او حقیقت ایمان است، سخنان باطل را رها کن...

تناسوا نصبه فی یوم خمّ من الباری و من خیر الأنام
منصوب شدن او را از سوی خدای باری و از ناحیه
بهترین خلق خدا، به بوته فراموشی سپردند. من از کسانی که
او را، [که مقدم بود] عقب زدند، برائت می‌جویم.

می‌نویسند چند تن نزد معاویه جمع بودند معاویه یک کیسه
پر از زر بیرون آورد و گفت ای شاعران عرب درباره علی بن
ابی طالب بگوئید و جز حق نگوئید و من از اولاد صخر نباشم
اگر آن کیسه زر را به کسی ندهم که در حق علی به جز حقیقت
نگوید. هرکس چیزی گفت: عمرو عاص به محمد حمیری گفت
سخن بگو و جز حقیقت نگو. محمد خطاب به معاویه گفت: تو
قسم خوردی که کیسه زر را به کسی دهی که درباره علی ﷺ
حقیقت را بگوید؟ معاویه گفت: آری من چنان گفتم و فرزند
صخر نباشم اگر چنان نکنم.

آن‌گاه محمد حمیری شروع کرد و آن قصیده را خواند.

معاویه گفت: تو راست‌گوترین بودی؛ این کیسه زر را بگیر.^۱

۱. فرائد السمطين، شيخ السلام حموي؛ بشارة المصطفى، ابو جعفر محمد بن محمد طبري آملی؛ شيعة المرتضى و رياض العلماء.

ششم: کمیت بن زید اسدی

کمیت بن زید، شاعری دانا به لغت عرب و آگاه از تاریخ آن و از شاعران نام‌آور است. او در عصر اموی ع زیسته و عباسی‌ها را درک نکرده است. کمیت، بنی‌هاشم را دوست می‌داشته و به مذهب تشیع معروف است.

اصفهان‌ی، کمیت را شاعر اولین و آخرین شناخته است. برخی او را دارای چندین خصلت برجسته دانسته‌اند: فقیه شیعه، حافظ قرآن، بحث‌کننده در مناظره، شجاع، سخاوتمند و دیندار.^۱

کمیت در راه مکتب، بسیار فداکار بود به طوری که امام سجاد ع فرمود: ما از دادن پاداش درخور به تو عاجز هستیم، لکن خدا از چنان امری، ناتوان نیست و امامان شیعه در حق او دعاها کرده‌اند. او قصیده‌های بائیه، عینیه، لامیه و میمیه دارد. قصائد هاشیمات کمیت بالغ بر پانصد و هشتاد و هفت بیت بوده^۲ که دست روزگار بسیاری از آن را از بین برده است.

یکی از هاشیمات او قصیده عینیه اوست که به ماجرای غدیر خم اشارتی لطیف دارد.

و یوم الدوح دوح غدیر خم ابان له الولاية لو اطعنا...

۱. خزانه الادب، ۶۹/۲.

۲. ابوالفتح رازی، ۱۹۳/۲؛ مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی، ۱۹۴/۲.

و روز گرد آمدن بر پیرامون آن درختان انبوه، در غدیر خم ولایت را برای او (علی) آشکارا بیان کرد، ای کاش اطاعت می‌شد. لیکن آن مردمان بیعت کردند و من بیعتی به آن عظمت ندیده‌ام... فرمان رهبرشان را ضایع کردند و از راه راست، منحرف گشتند و حق او را به بوته فراموشی سپردند و به وی ستم کردند با این که سرورشان بود و نقطه ضعفی نداشت...^۱

۱. الحدائق الوردیة.

قرن دوم

هفتم: سید حمیری

سید اسماعیل ملقب به سید؛ امام صادق علیه السلام او را سید الشعراء خوانده است.^۱ سید در سال ۱۰۵ هـ در عمان به دنیا آمد و در بصره پرورش یافته و در بغداد عصر هارون عباسی وفات یافته است.

از شگفتی‌های روزگار آن که پدر و مادر سید، اباضی و خارجی مسلک بوده‌اند و می‌خواستند او را بکشند و او خانه را ترک کرده و در جای دیگر زیسته است. از سید پرسیدند در خانه‌ای که به علی بن ابی‌طالب علیه السلام ناسزا می‌گفته‌اند تو چطور شیعه و دوستدار علی علیه السلام و اهل بیت بار آمدی؟ گفت: رحمت الهی مرا فرا گرفت. به گفته ابن عبدربه، سید حمیری رأس شیعه بوده و آنان در احترام و بزرگداشت او می‌کوشیدند.^۲

۱. رجال الکشی، ۱۸۶.

۲. العقد الفرید، ۲/۲۸۹.

علّامه امینی در «الغدیر بزرگ» می‌نویسد: نُه تن دربارهٔ عظمت و شخصیت سید اسماعیل حمیری کتاب نوشته‌اند و از آن جمله است خاورشناس فرانسوی (بریه زی مینا).^۱ هم‌چنان که گزارشگران شعر او بالغ بر چهارده تن هستند.^۲ نیز برخی بزرگان شیعه او را بسیار ستوده‌اند که از آن جمله شیخ مفید رحمته الله است.^۳ در تاریخ زندگانی او، قصه‌های شیرین و ماجراهای شنیدنی و خواندنی آمده است.^۴

غدیریه‌های سید:

سید اسماعیل حمیری اشعار فراوانی در مدح امیرمؤمنان علی علیه السلام و ماجرای غدیر دارد که در الغدیر بزرگ به آن‌ها اشاره شده است و ما از هر قافیه نمونه‌هایی را یاد می‌کنیم.

۱. قافیة أ:

ای کس که فروشنده دین به دنیا هستی. این، فرمان خدا نیست. چگونه به وصیّ کینه روا می‌داری در حالی که احمد رحمته الله از او خشنود بوده است.

من الذی احمد فی بینهم یوم غدیر الخم ناداه

۱. الغدیر، ۱/۲۳۷.

۲. تاریخ بغداد، ۲/۲۵؛ تاریخ ابن‌خلکان، ۱/۳۵۹.

۳. الفصول المختارة، ۹۳؛ كشف الغمة، ۱۲۴.

۴. رک: الاغانی، ۲/۲۵۰.

آن کسی که پیامبر ﷺ در روز غدیر خم او را با صدای بلند خواند و در میان اصحاب و یارانش برپا داشت و فرمود: این علی بن ابی طالب مولای کسی است که من برای او مولا بوده‌ام. ای خدای برتری‌ها، با دوستدار او دوست و با دشمنان او دشمن باش.^۱

۲. بایسته:

و یختم اذقال الا لا بعزمته قم یا محمد فی البریه فاخطب...
در روز غدیر خم، آن‌گاه که خداوند با قاطعیت فرمود: ای محمد در میان مردم بایست و سخنرانی کن ابوالحسن را برای مردم خود رهبر منصوب بدار که اگر چنین نکنی رسالت خود را به پایان نرسانده‌ای...

این قصیده در یکصد و دوازده بیت سروده شده و به قصیده طلایی معروف است. عالمانی مانند شریف مرتضی نیز آن را شرح کرده‌اند.^۲

۳. مائیه:

...اوصی النبی له بخیر وصیته یوم الغدير بأبین الافصاح...
پیامبر ﷺ به روز غدیر خم، با روشن‌ترین بیان، برای او (علی) سفارش و وصیت کرد.^۳

۱. علامه امینی شش بیت از این قصیده را یاد کرده و در دیوان سید چهارده بیت

آمده است. رک: ص ۴۵۳.

۲. این شرح در مصر چاپ شده است و در دیوان یکصد و سیزده بیت آمده است.

۳. رک: دیوان، ۱۵۰.

۴. دالیه:

اذا انا لم احفظ وصاة محمدٍ و لا عهده يوم الغدير مؤكدا...
 اگر من سفارش محمد و پیمان مؤکد او را که در غدیر خم
 انجام داد، حفظ نکنم مانند کسی خواهم بود که به بهای
 هدایت، ضلالت و گمراهی خریده باشم. این قصیده بیست و
 پنج بیت است.^۱

۵. دالیه‌ای دیگر:

يوم قام النبي فى ظلّ دوح و الورى فى ودیقة صیخود...
 روزی که پیامبر ﷺ در سایه درخت (غدیر خم) ایستاد،
 در حالی که مردم از شدت گرما ایستاده بودند، دست علی
 را با دستانش بلند کرد و با صدای رسا فرمود: ای
 مسلمانان! این (علی) خلیل، وزیر وارث، بازو و یاور من و
 پسر عمویم است. آگاه باشید هر که را من مولای او بوده‌ام،
 این مولای اوست؛ پیمان مرا پاس بدارید...

۶. رالیه:

لقد سمعوا مقالته بخمّ غداه یضمّمهم و هو الغدير...
 کلام او را در روز غدیر خم جماعتی انبوه و به هم پیوسته
 که در محل غدیر بودند شنیدید که فرمود: کیست که
 سزاوارتر از شما برای شماست؟ انبوه جمعیت یک‌صدا گفتند:
 شما مولا و سزاوار برای ما هستی و تو هشدار دهنده برای ما

۱. الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، ۲۶۲/۷.

هستی، پس آن‌گاه فرمود: علی پس از من، ولی، مولا، رهبر و وزیر است.

خدایا! دوستدار او را دوست بدار و به هنگام مرگ، او را با شادی و سرور روبه‌رو کن و دشمن و بدخواه او را دشمن بدار و در لحظهٔ مرگش با عذاب روبه‌رو کن.

۷. رانیه‌ای دیگر:

فقام بخمّ بحیث «الغدير» و حطّ الرحال و عاف المسیرا
و قمّ له الدوح ثم ارتقی علی منبر کان رحلاً و کورا...
در خمّ- همان جایگاه غدیر- به پا ایستاد و بار شتران پایین آورده و از ادامه حرکت باز ایستاد و در حالی که دست حیدر را در دست داشت با صدای بلند و آشکار فرمود هر که را من مولای او هستم اینک علی مولای اوست...

۸. رانیه سوم:

و له بیوم الدوح اعظم خطبة اذّی بها وحی الاله چهارا...
به کسی که با وصی و جانشین محمد ص دشمنی می‌ورزد بگو:

پیامبر با صدای بلند و رسا فرمود این وصی و جانشین من در میان شماست، خود را به نادانی مزیند و به کفر برنگردید. برای او در روز «دوح» و غدیرخم، یادی است که آشکارا وحی الهی را رسانید.

۹. رانیه پنجم:

و قال فی خم له معلناً ما لم یلقوه بانکار...
 در غدیر خم، آشکارا چیزی فرمود که احدی آن را انکار
 نکرد. گفت: هر که را من مولای او بدم این علی علیه السلام مولای
 اوست، کافر و ناسپاس مباشید... و روز غدیر این را فرمود:
 این برادر من، وصی و جانشین در امور من است. پروردگارا
 هر انسانی را که او را دشمن بدارد دشمن بدار و به درون
 دوزخ شعله‌ور وارد کن.

۱۰. عینیه:

لام عمرو باللوی مربع طامسة اعلامها بلقع...
 برای امّ عمرو در لوی جایگاهی است با نشانه‌های فرسوده
 و بدون آب و گیاه...
 آن‌گاه از طرف خدا فرمان رسید و گزیری از اجرای آن
 نبود، آن پیام را برسان که اگر چنین نکنی، رسالت او را
 نرسانده‌ای و خدا نگهدارنده است. در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله به
 پاخاست و همانند موارد دیگر مأموریت را به جا آورد و در
 حالی که فرشتگان در پیرامون حضور داشتند، فرمود: هر که را
 من مولای اویم این علی مولای اوست...
 این قصیده پنجاه و چهار بیت است و دانشمندانی آن را
 شرح کرده‌اند. علامه امینی رحمته الله به نام پانزده تن از آن‌ها اشارت
 دارد. عده‌ای هم آن را تخمیس نموده‌اند.^۱

۱. رک: الغدير، ۲۲۴/۱.

١١. قصیده لامیه:

حتى اذا صار بخمّ جاءه جبريل، بالتبليغ فيهم فنزل...
 آن گاه که جبرئیل در غدیرخمّ با آیه تبلیغ فرود آمد، سایه
 آن درخت رفت و روب شد. پیامبر روی بلندی رفت و علی
 را صدا کرد و او آمد. فرمود: علی در میان شما جانشین من
 است و در امور به او اعتماد هست. من و او همانند انگشتان
 یک دست هستیم. علی مانند ندارد. به جای او دیگری را
 برنگزینید و...

١٢. لامیه ای دیگر:

بعد ما قام خطيباً معلناً يوم خم با اجتماع المحفل...
 پس از آن که در روز غدیرخمّ در آن محفل و اجتماع
 ایستاد، سخنرانی کرد و فرمود: خدا مرا به وحی خویش آگاه
 کرد و دین خود را با علی کمال بخشید، او مولای شماست و
 سرپرستی امت بعد از من با اوست. او شمشیر برآن من و
 دست و زبان من و همواره یاور من است. او وصی و
 پسرعموی من و نور او نور من، و نور من نور اوست و...
 هرگز از هم جدا نیستیم.

١٣. لامیه سوم:

قد قام يوم «الدوح» خير الوري بوجهة للناس يستقبل
 و روز «دوح» یعنی غدیرخمّ روبه روی مردم ایستاد و
 فرمود:

من برای هرکس مولا بوده‌ام این علی برای او پناهگاه است.

۱۴. لامیة چهارم:

قام‌النبی یوم خمّ خاطباً بجانب الدوحات او حبالها
پیامبر ﷺ در روز خمّ در کنار آن درختان و در سایه آنها
سخنرانی کرد و فرمود: من هرکس را مولا بوده‌ام، این علی
مولا و سرور اوست. خدایا گواه باش و این سخن را بارها
گفت تا همه گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم... .

سید در برخی ابیات این قصیده به گفتمان علی علیه السلام در رجبه
که به حدیث غدیر استناد جسته اشاره کرده و نیز به کار انس بن
مالک که از شهادت و گواهی دادن دریغ ورزید و مشمول نفرین
گردید، پرداخته است.^۱

۱۵. قصیده میمیه:

و اوجب یوماً بالغدیر و لائه علی کل برّ من فصیح و اعجم...
و روز غدیر، ولایت علی را واجب کرد و بر هر فرد عرب
و غیرعرب لازم دانست و در کنار درخت خمّ، دست او را
گرفت و آشکارا از علی علیه السلام نام برد و وصیت نمود و میراث
علم دین را به او گذاشت. از این قصیده چهل و دو بیت
یافت می‌شود و علامه امینی بیست و چهار بیت را آورده و در
دیوان نیز سی و نه بیت است.

۱. رک: دیوان سید با شرح و توضیح حکیم، ۳۲۹.

داستانی شنیدنی:

سید حمیری وقتی شنید رئیس اباضیه و خوارج از علی علیه السلام بد می‌گویند و از او در نزد منصور دوانیقی سعایت می‌کند و چیزهایی مطرح می‌نماید که او را بکشد این قصیده را به ابن اباض فرستاد او بیشتر به خشم آمد. در نظر فقها و قاریان نیز از وی بد گفت و همگی در نزد منصور گرد آمدند. سید را هم حاضر کردند. منصور پرسید ادعای شما چیست؟ پسر اباض گفت: او (سید حمیری) سلف را ناسزا می‌گوید و به رجعت، عقیده دارد و خلافت شما و خاندان شما را قبول ندارد.

منصور گفت: مرا رها کن. شخصاً با او چه مسئله‌ای دارید؟ آن‌گاه رو به سید کرد و پرسید درباره آن‌چه گفتند چه می‌گویی؟ سید گفت: من به کسی ناسزا نمی‌گویم و به همه اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله رحمت می‌فرستم. این پسر اباض است. شما از او بخواهید به علی، عثمان، طلحه و زبیر رحمت بفرستد. منصور گفت بر این یاد شده‌ها رحمت بفرست. ابن اباض بند آمد منصور با چوبدستی‌اش به او زد و فرمان داد به حبس ببرند و همراهان او را تنبیه کردند و به سید پانصد هزار درهم عطا نمودند.^۱

۱. اخبار السید، مرزبانی.

۱۶. قصیده‌ای دیگر:

... جحدوا ما قاله فی صنوه یوم خمّ بین دوح منتظم ...
 آنچه را که پیامبر مصطفی ﷺ دربارهٔ پسرعمویش در
 روز غدیرخم، در میان انبوه درختان قد برافراشته، بیان فرموده
 بود انکار کردند. او فرموده بود: ای مردم هرکه را من برای او
 مولا بوده‌ام و بر او حقی دیرینه دارم این علی مولای اوست و
 آن قضای حتمی الهی است.

۱۷. قصیدهٔ سوم:

وقال محمد بغدیرخمّ عن الرحمن ینطق باعترام...
 و محمد ﷺ در غدیرخم، با عزمی قاطع که از سوی
 خدای مهربان سخن می‌گفت، اشاره به او (علی) کرد و فرمود:
 آگاه باشید هرکه را من مولای او بوده‌ام، برادرم [علی] مولای
 اوست. سخن مرا بشنوید.

۱۸. قصیدهٔ چهارم:

علی آل الرسول و اقریبه سلام کَلِّمًا سَجْعَ الحِمَامِ...
 رسول‌الله یوم غدیرخمّ اناف به و قد حضر الأنام
 بر رسول خدا و خویشاوندان نزدیک‌تر او تا آن زمان که کبوتران
 بانگ برآرند، سلام باد. آیا آنان ستارگان آسمان نبوده‌اند و نشانه‌های
 عزت پایدار نیستند؟ ای کسی که در وادی ضلالت سرگردانی، بدان!
 پیشوا، همان امیرالمؤمنین علی است که رسول خدا در روز غدیرخم
 در حضور انبوه مردم به بلندی رفت و دست او را بالا برد.

نکته‌ای دربارهٔ میمیت سید ممیری (ع):

حکایت شده که باربری را دیدند که چیز سنگینی می‌برد که بر دوش او گران بود پرسیدند آن چیست گفت: قصائد میمیه سید است!

۱۹. نونیه:

نفسی فداء رسول الله يوم اتى جبرئيل بأمر التبليغ اعلانا...
جانم فدای رسول‌الله باد آن روزی که جبرئیل امر تبلیغ را آشکارا بر آورد، که اگر نرسانی رسالت را تبلیغ نکرده‌ای. رسول خدا (ص) قامت برافراشت و امتثال امر نمود و به مردم گفت:
قبل از غدیرخم، مولای شما که بود؟ پاسخ دادند: شما بودید و هستید. ما گواه آنیم که تو خیرخواه ما بودی و امر خیر را برای ما بیان داشتی. فرمود: این (علی) پس از من ولی شماست من مأمور هستم این را برسانم. یاران خوبی برای او باشید...

۲۰. نونیه‌ای دیگر:

... علی شجرات فی الغدير تقادمت فقام علی رحل ینادی و یعلن ...
در کنار درختان کهن در غدیرخم پیش آمد و بر بلندی رفت و آشکارا فرمود هر که را من مولای او بودم پس از من این علی مولای اوست؛ باور کنید...

۲۱. قصیده یائیه:

... اقام بخمّ بحیث الغدير فقال فاسمع صوتا ندیا ...
مهر خالص من از آن وصی است و محبت ناب من جز

برای علی نیست. پیامبر ﷺ مرا به چنین مهر و محبت فراخوانده و من اجابت کرده‌ام. دوستی و دشمنی من بر محور اوست و دوستدار او را دوست می‌باشم. در غدیرخم به پاخاست و با صوت رسا فرمود هرگاه من از میان شما رخت بربستم، این (علی) مولای شماست و این امر بر عرب و غیرعرب تفهیم شد.

۲۲. یائیه‌ای دیگر:

بِهِ وَصَّى النَّبِيُّ غَدَاةَ خَمٍّ جميع الناس لو حفظوا النبيبا ...
پیامبر ﷺ در فردای خم همه مردمان را سفارش کرد اگر پیامبر و سفارش او را رعایت کرده باشند. آن‌ها را ندا در داد و فرمود: ای بندگان خدا! آیا من برای شما مولا نیستم؟ گوش دهید. در پاسخ گفتند: تو مولای ما و بر ما از خود ما سزاوارتر هستی. پس علی عليه السلام را به خود پیوست و به آن‌ها با صدای آشکار و به همه زنده دلان شنونده و فرمود: هرکه را من مولای او بوده‌ام، ابوالحسن علی را برای او ولی و پیشوا قرار دادم. خدا دشمن او را در میان شما دشمن و دوستدار او را دوست باشد.

۲۳. یائیه سوم:

وقام محمد بغدیرخم فنادی معلناً صوتاً ندباً...
محمد ﷺ در غدیرخم ایستاد و با صدای رسا، ندا در داد و همه عرب و غیرعرب را که گرداگرد درختان، حلقه زده

بودند فراخواند و گفت: آگاه باشید هر که من مولای او بودم، این علی مولای اوست...

هشتم: عبدی کوفی

او از شاعران اهل بیت پاک و از کسانی است که به ولای آنان تقرب می‌جست و بیشترین اشعارش را در ستایش آل علی و مناقب امیرمؤمنان سروده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: به فرزندانان شعر عبدی را بیاموزید که او بر دین و آیین خداست و امام به شعر او، استناد می‌جسته است.

علامه امینی رحمته الله، اشعار و مطالب فراوانی از عبدی کوفی نقل کرده که همگی آموزنده و مفیدند. از جمله به قصیده‌ای باینه، که دارای هشتاد و اندی بیت است، اشاره دارد. ما به ترجمه برخی از ابیات آن می‌پردازیم.

بَلِّغْ سَلَامِي قَبْرًا بِالغُرَى حَوِي اَوْفَى الْبَرِيَةِ مِنْ عَجْمٍ وَمِنْ عَرَبٍ...
سلام مرا در غری و نجف به قبری برسان که با وفاترین
انسان‌ها را از عرب و غیرعرب در بر گرفته است، شعار خود
را برای خدا و خضوع و خشوع بر آستان او و برای بهترین
وصی و بهترین پیامبران قرار بده.

ای اباالحسن! بشنو، آن‌هایی که حکم تو را به بوته
فراموشی سپردند و از راه حق عدول کردند. آن‌ها بد راهی
پیش گرفتند.

وكان عنها لهم في «خَمِّ» مزدجر لَمَّا رقی احمد الهادی علی قتب...
و هنگامی که احمد هادی علیه السلام بر فراز جهاز شتران ایستاد
و در غدیرخَمِّ بر ایشان هشدار داد، آنجا که فرمود: ای علی!
بایست من مأموریت دارم به مردمان برسانم، تبلیغ و رساندن
سزاوار من است. من علی را راهبر و پرچم و نشان هدایت
برای پس از خودم نصب کردم و علی بهترین منصوب است.
ابن شهر آشوب نیز سه بیت از عبدی نقل کرده است. برای علی
در تمام روزگار جز برادرش محمد، مانندی نیست.
هنگامی که قریش و مشرکین مکه، در لیلۃ الممیت قصد
جان او کردند، علی بود که جان نثاری نمود.
و وافاه فی خم و ارتضاه و خلیفة بعده وزیر...
پیامبر صلی الله علیه و آله هم در خم، وفا کرد و از او خشنود شد که بعد
از او وزیر و جانشین شود.^۱

۱. المناف، ۱/۱۸۱، چاپ ایران.

قرن سوم

نهم: ابوتمام طائی

ابوتمام طائی، حبیب‌بن اوس یکی از رؤسای امامیه و بزرگان شیعه در قرن‌های گذشته و از پیشوایان ادب و لغت است که در شناخت شعر و اسلوب‌های نظم، مرجع بوده است.

ابوتمام در اصل شامی است. اما در مصر نشو و نما یافته و به عراق و ایران هم سفر کرده است. پانزده تن دیوان شعر او را گردآورده و مرتب کرده‌اند و سیزده نفر درباره شرح احوال او کتاب نوشته‌اند. سال‌های ولادت و فوت او مورد اختلاف است.

قصیده غدیریّه او یکصد و چهل و سه بیت است که علامه امینی چهل و پنج بیت آن را آورده است. برخی از بیت‌های این قصیده را که درباره غدیر سروده است، می‌آوریم.

فعلتم بانباء النبی و رهطه افاعیل ادناها الخیانة و المکر...

با فرزندان پیامبر و خاندان او کارهایی کردید که کمترینش خیانت و نیرنگ بوده است، و پیشتر با وصی او مخالفت

کردید، همان برادر او [پیامبر] اگر سخن از افتخارات به میان آید و پسر عمو و دامادش، نه برادری مثل او و نه داماد و پسر عمومی همانند او یافت شود. بازوی محمد به واسطه او محکم شد، همانند بازوی موسی با هارون، او شمشیر خدا و شمشیر رسول خدا بود، در تمام مشاهده: بدر، احد، خیبر، نضیر، حنین و خندق پیروزی می‌آفرید و غم و غصه می‌زدود. و یوم‌الغدیر استوضح الحق اهله بضیاء لافیه‌ها حجاب و لاستر... در روز غدیر و در میان روز، حقیقت را برای اهل آن بدون پرده و پوشش، آشکار کرد. رسول خدا برپا ایستاد و آنان را به ولایت علی فراخواند، بازوان او را گرفت و نشان داد که ولی و سرپرست و جانشین او، علی است.

دهم: دعبل فزاعی شهید

دعبل بن علی کوفی است اما بیشتر در بغداد اقامت داشته و از دست معتصم عباسی فرار کرده بود و در اطراف و اکناف می‌گشت. او به حجاز و مصر و ایران سفر کرده است. گاهی از شهر بیرون می‌رفت و از نظر مردم پنهان می‌شد و پس از چندین ماه برمی‌گشت.^۱

دعبل مدتی با شیعیان در شهر قم گذراند. آنان هر ساله پانصد هزار درهم به او صله می‌دادند.^۲

۱. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ۳۶/۱۸.

۲. ابن معتر، طبقات، ۱۲۵.

ابعاد شفیصیت دعبل:

او فانی در ولای اهل بیت عصمت و طهارت و در شعر و ادب و تاریخ نابغه بوده است. او از روایان حدیث و از اصحاب امامان معصوم محسوب می‌شود.

دعبل در سال ۱۴۸ هـ متولد شد و به سال ۲۴۶ هـ به شهادت رسیده است.^۱

تائیه دعبل، قصیده‌ای طولانی است که بزرگانی به آن اهتمام داشته‌اند. این شعر، از نیکوترین اشعار و نفیس‌ترین آثار به حساب می‌آید. دعبل بخش‌هایی از آن را در حضور برخی امامان خوانده و مورد تشویق آنان قرار گرفته است. علامه امینی رحمته الله، بیست و پنج بیت آن را آورده و البته آن را یکصد و بیست و یک بیت دانسته است. استاد عبدالکریم الأشر، یکصد و هیجده بیت آن را آورده است.^۲

ما به ترجمه برخی ابیات آن می‌پردازیم:

... ولو قلدوا الموصی الیه امورها لزمت بمأمون عن العثرات...

اگر زمام امور را به دست خلیفه سفارش شده می‌سپردند، امت از لغزش‌ها در امان می‌ماند. همان برادر خاتم رسولان، که از هر آلودگی، پاک و مبراست و پشت پهلوانان را در میدان‌های نبرد بر زمین آورده است؛ و اگر منکر شدند روز

۱. الغدير، ۳۸۴/۱؛ معجم البلدان، ۴۱۸/۴؛ الاغانی، ۶۰/۱۸.

۲. شعر دعبل، ۳۱۴/.

غدیر، بدر، احد و روزهای سخت و طولانی را شاهدند که آیه‌هایی از قرآن در فضیلت او، تلاوت می‌شود از جملات ایثار و از خودگذشتگی‌اش در مورد طعام خود در موقع قحطی و نداری.

یازدهم: ابواسماعیل علوی

او از فرزندان عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام و شاخه درخت تناور امامت و از مفاخر عترت طاهره است.^۱

علامه امینی رحمته الله در اشاره به غدیرخیم، قطعه‌ای از او نقل کرده که چند بیت آن چنین است:

... و صاحب یوم الدوح اذ قام احمد فنادی برفع الصوت لا یبهمهم ...

او صاحب روز «غدیرخیم» و روز آن درخت «دوح» است که احمد علیه السلام در سایه آن ایستاد و با صدای بلند و بدون تردید فرمود:

ای علی! من تو را در مورد خودم به منزله هارون نسبت به موسای کلیم قرار دادم. درود خدا به او مادامی که ستاره‌ای می‌درخشد و کاروان‌های احرام بسته، پیرامون بیت طواف می‌کنند.^۲

دوازدهم: وامق نصرانی

بقراط پسر اشوط ارمنی مسیحی، از ستایش‌گران اهل بیت عصمت علیهم السلام بوده است.^۳

۱. خطیب، تاریخ بغداد، ۱۲/۱۳۶.

۲. مرزبانی، معجم الشعراء، ۴۳۵.

۳. ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۲۸۶ و ۵۳۲.

أليس بخمّ قد اقام محمد علياً باحضار الملا في المواسم...
 آیا در غدیر خم، محمد ﷺ دست او را در حضور همه در
 موسم بلند نکرد و فرمود: هر که من مولای او هستم، پس از
 من مولا برای او علی پسر فاطمه (بنت اسد) است؟
 و سپس دعا کرد و گفت: خدایا! دوستدار دوست او باش و
 دشمنان او را دماغ بر خاک بمال و دشمن باش.

چه بسا خواننده در شگفت آید که چگونه یک نفر
 مسیحی، علی بن ابی طالب را ستایش می‌کند. اما این کار
 عجیب و شگفت‌آور نیست. اگر مؤلف، نویسنده‌ای آگاه از
 تاریخ و دارای روح انصاف باشد، فضائل و بزرگواری‌هایی را
 ثبت می‌کند، چنان که در میان مسیحیان و کلیمیان نیز بوده و
 هستند افرادی که در شأن حضرت محمد ﷺ کتاب‌ها
 نوشته‌اند. چنان که علامه امینی رحمته الله، نام و نشان و عنوان
 کتاب‌های سی تن از آنان را یاد کرده است.^۱

این شاعر مسیحی در یک قطعه شش بیتی دیگر به حدیث
 نبوی «من و علی از یک درخت هستیم و بقیه مردم از درختان
 دیگر»، به زیبایی اشاره دارد.

از دیگر مسیحیان در این اواخر، که علی عليه السلام را ستوده،
 عبدالمسیح انطاکی مصری با قصیده طولانی علویه مبارکه که
 دارای پانصد و نود و پنج بیت در مدح مولا است. پولس

۱. الغدير، ۵/۳ و ۶.

سلامه، قاضی مسیحیان بیروت نیز پس از قرائت کتاب «الغدیر» قصیده سه هزار و هشتاد و پنج بیتی، همراه با تحلیل و دقت نظر سروده و فرستاده است.^۱

سیزدهم: ابن الرومی

ابوالحسن علی بن عباس، مشهور به ابن الرومی از مفاخر شیعه و از نابغه‌های امت مسلمان است. اشعار طلایی او بر رونق بلاغت افزوده است برخی نیز به گردآوری آثار و اخبار او اهتمام ورزیده‌اند.^۲

... قال النبی له مقالاً لم یکن
یوم «الغدیر» لسامیة ممججا
من کنت مولاه فذا مولی له مثلی و اصبح بالفخار متوجاً ...

گوهر او را مانند طلای ناب می‌بینم. مکانتش در فضل و کمال چون خورشید و ماه شب چهارده بلند و بالاست. پیامبر ﷺ در روز «غدیر» برای شنوندگانش، با فصاحت تمام فرمود: هر که را من برای او مولا بوده‌ام، این علی همانند من، برای او مولاست. بدین وسیله تاج افتخار بر سر وی نهاد، همان‌گونه که پیشتر نیز به افتخار همسری فاطمه نائل شد. آن‌گاه که او خواستگاری عده‌ای را رد کرد و علی را برگزید.^۳

۱. این قصیده در کتابی سیصد و هفده صفحه‌ای چاپ شده است.

۲. از جمله عباس محمود عقاد در کتابی سیصد و نود و سه صفحه‌ای که علامه امینی، بیشتر از او بهره برده است.

۳. ابن شهر آشوب، المناقب، ۵۳۱/۱، چاپ ایران.

چهاردهم: حمّانی افوه

ابوالحسین علی بن محمد کوفی، در میان علویان به شعر و ادب و ذوق مشهور بوده است، چنان که خود می گوید: بین پدرم و نیایم تا ابوطالب همه شاعر بوده ایم.^۱

حمّانی، دارای دلی قوی و روحی ظلم ستیز بوده و از فرزندان زید شهید است. در تاریخ ولادت او اختلاف است و به احتمال قوی در سال ۳۰۱ هـ وفات یافته است.^۲

امّت غدیریّه او:

فرزند کسی که آفتاب پس از غروب برای او برگردانده شد و او تقسیم کننده آتش به روز قیامت و حساب است.

مولا هم یوم الغدير بر غم مرتاب و آبی ...

مولا و سرپرست ایشان در روز غدیر، به رغم بر خاک مالی دماغ شک کننده و منکر علی بوده است.

شما خطبه خم را فراموش کردید؟ آیا می توان بنده را به مولا تشبیه کرد؟!

علی مولا و سرور کسی است که رسول خدا ﷺ برای او مولا بوده است.

علّامه امینی رحمته الله به تناسب آن که حمّانی از نسل زید شهید بوده و قوت قلب و ابای نفس را از او به ارث برده است،

۱. حموی، نسعة الحسر و معجم الادباء، ۲۸۵/۵؛ عمدة الطالب، ۲۶۹.

۲. مروج الذهب ۴۱۳/۲؛ ابن اثیر، الکامل، ۹۰/۷.

فصلی درباره زید و شیعه امامیه اثنی عشریه گشوده و با ذکر حقایق تاریخی به روشنگری در مورد آنان پرداخته است.

نقد و اصلاح:

عَلَمَه امینی رحمته الله، هم‌چنان که در بحث از دعیل برای اصلاح تاریخ، درباره مختار بن ابی عبیده ثقفی، بابی گشوده با نفی نسبت‌های غیرواقعی، ابهام از چهره او زدوده است.

وانگهی به‌همین جهت که عده‌ای به نام مؤلف و نویسنده صفحات تاریخ را سیاه و کاروان بشری را دچار سردرگمی کرده حقایقی را انکار و واقعیاتی را مسخ نموده و بالاخره در ناآگاه ماندن نسل کوشیده‌اند. او به افشاگری پرداخته و صفحاتی از الغدیر بزرگ را در معرفی این چهره‌های نامیمون اختصاص داده است.

عَلَمَه امینی رحمته الله تحت عنوان فوق، کتاب‌ها و نویسندگان یاد شده ذیل را مطرح و سخنانشان را به نقد کشیده است:

۱. عقدالفرید، ابن عبد ربه اندلسی.
۲. الانتصار، عبدالرحیم خیاط معتزلی.
۳. الفرق بین الفرق، عبدالقاهر بغدادی.
۴. الفِصَل فی الملل و الأهواء و النحل، ابن حزم ظاهری اندلسی.
۵. الملل و النحل، محمد بن عبدالکریم شهرستانی.

٦. منهاج السنة، ابن تيمية حراني، حنبلي.
٧. البداية و النهاية، ابن كثير دمشقي.
٨. محاضرات، تاريخ الامم الاسلاميه، شيخ محمد خضري.
٩. السنة و الشيعة، رشيد رضا، صاحب المنار.
١٠. الصراع بين الوثنية و الاسلام، عبدالله على قصيمي.
١١. فجر الاسلام، احمد امين مصري.
١٢. ضحى الاسلام، احمد امين مصري.
١٣. ظهر الاسلام، احمد امين مصري.
١٤. الجولة في ربوع الشرق الادنى، محمد ثابت مصري.
١٥. عقيدة الشيعة، خاورشناس رونالدسن.
١٦. الوشيعة في نقد عقائد الشيعة، موسى جارالله.

قرن چهارم

پانزدهم: ابن طباطبائی

ابوالحسن محمدبن احمد از دانشمندان و ادیبان عصر خود بوده و دارای آثاری ماندگار است.^۱

نسبش با پنج واسطه به سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد. علامه، غدیریّه‌ای چهاربیتی خطاب به ابوعلی رستمی، از او آورده است.^۲

یا من یُسِرُّلی العداوة فابدها و اعد لمکروهی بجهدک او ذر...
ای کسی که برای من دشمنی، پنهان می‌کنی، آن را آشکار کن. در بدخواهی من بکوش یا رها کن که برای خدا در نزد من عادت سپاس است، در حق کسی که با من عداوت می‌وزرد. پس سرگردان مباش.

۱. مرزبانی، معجم الشعراء، ۴۶۳؛ ابن‌ندیم، فهرست، ۲۲۱؛ حموی، معجم الأدبا،

انا واثق بدعاء جدی المصطفی لأبی غداة «غدیرخَم» فاحذر
 من به دعای نیایم محمد ﷺ که برای پدرم در روز
 غدیرخَم فرمود، اطمینان دارم. به هوش باش! و خدا در اثر آن
 دعا ما را در مورد دوست و دشمن خوشبخت کرده است، تو
 صبرکن.

اصفهانى در سال ۳۲۲ هـ وفات یافته است و او را در
 اصفهان نسلى پایدار است.^۱

شانزدهم: ابن علویّه، اصفهانى

ابوجعفر احمد ابن علویّه، از پیشوایان حدیث و استادان
 علمای امامیه و مورد اعتماد بوده است. او در ادبیات و شعر
 نیز دستی بلند و بالا و رتبه‌ای در اوج داشته است.^۲
 او در سال ۲۱۲ هـ متولد شده و در ۳۲۰ هـ در گذشته
 است.^۳ علّامه امینی رحمته الله علیه، غدیریّه او را در چهارده بیت آورده
 که از آن جمله است:

صلی الاله علی ابن عمّ محمد منه صلوٰة تُغمدُ بحنان
 و له اذا اذکر الغدیر فضیلة لم ینسها مادامت الملوان ...
 خدا به پسر عموی محمد ﷺ از سوی خود درود
 بفرستد، پوشیده به رأفت و رحمت و برای او به هنگام یاد از

۱. نسابه عمری، المجدی.

۲. نجاشی، فهرست؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء و... .

۳. الغدیر، ۳/۳۵۱.

غدیر خم فضیلتی است که تا شب و روز هست فراموش نمی‌شود. پیامبر ﷺ به توضیح ولایت قیام کرد همان ولایتی که از سوی خداوند پاداش‌دهنده، نازل شد و فرمود: برسان آن‌چه را مأمور شدی و به خدای نگاهدارندهٔ مهربان اطمینان داشته باش. پیامبر به نماز جماعت فراخواند و او [علی] را با سخنی نیکو و روشن معرفی کرد و فرمود آیا من ولی شما نیستم؟ گفتند: چرا، هستی. فرمود این ولیّ دوّم شماست...^۱

هفدهم: المفجّع، ممدبن امد

او از مردان علم و حدیث و نحو بوده و در میان پیشوایان لغت و ادب، به مثابهٔ مروارید درشت می‌درخشیده است. او از اصحاب امامیه است و شعر فراوان سروده است.^۲ محمد، آثار ارزشمندی داشته که علّامه امینی به نُه عنوان از آن‌ها اشارت دارد.^۳

قصیده غدیریه او یکصد و شصت بیت است که به قصیدهٔ اشباه یا ذات معروف است و به حدیث نبوی در شباهت‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام به پیامبران اشارت دارد. ابیاتی از آن به قرار زیر است:

ای آن‌که مرا برای خاطر محبت علی نکوهش می‌کنی، با

۱. معجم‌الادباء، ۷۲/۳-۷۷.

۲. مرزبانی، معجم‌الشعراء، ۴۶۴؛ معجم‌الادباء، ۱۹۰/۱۷-۲۵۰.

۳. الغدير، ۳۶۳/۳.

خفت و خواری گام به سوی دوزخ بردار. آیا به بهترین انسان تعرض می‌کنی؟ همواره از هدایت، دور و ممنوع باشی. او در کهولت و جوانی و شیرخوارگی و در غذا خوردن شبیه پیامبران بوده و در علم و دانش آدم که اسماء به او آموخته شده و مانند نوح صاحب کشتی نجات بوده ...

لم یکن امره بدوحات خمّ مشکلا عن سبيله ملویاً ...
 کار او در کنار درختان خمّ (غدیرخم) مشکلی نبود.
 مرتضی را برای مردم نصب کرد و فرمود: این مولای کسی است که من برای او مولا بوده‌ام هر که او را دشمن بدارد، مهم نیست یهودی یا نصرانی بمیرد.
 مفتح در بصره متولد شده و در سال ۳۲۷ هـ وفات یافته است.

همدهم: ابوالقاسم صنوبری امددین ممد

او شاعری شیعی و خوش‌سخن بوده و اشعار فراوان او درباره علی علیه السلام نشانه تشیع اوست. ابن شهر آشوب او را از ستایشگران اهل بیت برشمرده است.

غدیریه او قصیده‌ای چهل‌ودو بیتی است که با تغزل آغاز می‌کند و از آن جمله است:

حبی النبی محمد صلی الله علیه و آله و وصیه مع حب فاطمه و حب ینها
 اهل الکساء الخمسة الغرر التی ینسی العلاء بعلاهم بانها
 من به محمد صلی الله علیه و آله و جانشین مورد وصیت او، همراه

فاطمه و فرزندانش مهر می‌ورزم. پنج تن اهل کساء که بانیان،
هر بلندی را به بلندای آنان می‌سازند.
آخاه فی خمّ و نوّه باسّمه لم یأل فی خیر به تنویها...
در خمّ او را برادر خود خواند و نام او را برد و هیچ
نکویی نماند که برای او یاد نکند.
فرمود با فضیلت‌ترین شما علی است. حکم او پیش
می‌رود و او برای من مانند هارون است برای موسی ...

نوزدهم: قاضی تنوفی

ابوالقاسم علی بن محمد، نسبش به نوح پیامبر می‌رسد. او در
کلام، دانشمندی ذوفنون و در فقه و فرائض پیشرو و ماهر و
حافظ حدیث، پیشوا در شعر و ادب و دارای آگاهی در نجوم
و هیئت بوده است. در انواع دانش‌ها دارای اثر است؛ از آن
جمله «الفرج بعد الشدة» و غیر آن.
تشیع او از پاسخی که به شاعر عباسی داده است
هویدا است. غدیریه او که علامه امینی نیز آورده هشتاد و سه
بیت است.

و من قال فی یوم الغدیر محمد وقد خاف من غدر العداة
به بهترین انسانی که بر زمین گام نهاده و به گرامی‌ترین
کسی که در میان مردم راه رفته است و بر دو سبط مصطفی،
عیب و ایراد می‌گیرند. (به آن شاعر) بگو در عین پستی
می‌خواهی دست به سوی ستارگان بیاویزی، کار قرمطیان را به

دروغ به اهل بیت بزرگوار و پاک نسبت می‌دهی... وزیر پیامبر مصطفی و وصی و جانشین او که در خلق و طبیعت، شبیه هم بوده‌اند، کسی که محمد ﷺ در روز غدیر خم، با وجود بیم از دغل‌کاران ناصبی فرمود: بدانید هر که را من از خود او سزاوارتر به وی هستم، این برادرم پس از من، صاحب امر و مولای اوست. همگی از او فرمان ببرید. او نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی بن عمران است.^۱

بیستم: ابوالقاسم زاهی

علی بن اسحاق مشهور به زاهی از نوایغ و شاعرانی بوده که در اشعارش به نفع اهل بیت موضع گرفته و بر آیین آنان می‌زیسته است.

زاهی در سال ۳۱۸ هـ به دنیا آمده و در سال ۳۵۳ هـ از جهان رخت بریسته است.^۲ در کتب معاجم بدان سبب که او به اهل بیت گرایش نشان داده و اشعارش مشحون از مهر و ولای آنان است، کمتر به وی پرداخته‌اند. علامه امینی رحمته الله علیه نیز بدان جهت از نمونه اشعار او، فراوان نقل کرده است.^۳

زاهی در قصیده‌هایی با قافیه‌هایی (صاد)، (را) و (ها) به مدح امام علی و یاد غدیر پرداخته است، که از آن جمله است:

۱. رک: ابن العماد حنبلی، شذرات الذهب ۲/۳۶۲.

۲. ابن خلکان، وفیات الاعیان ۳/۳۷۱.

۳. الغدیر ۳/۳۹۱-۳۹۷.

من ارتقى متن النبى صاعداً وكسر الاصنام فى اولى الفرس...
 كسى كه از دوش پیامبر ﷺ بالا رفت و در اولین فرصت،
 بت‌ها را شکست و کعبه را از آلودگی‌ها پاک کرد و پایین آمد
 و كسى كه به روز تنهایی محمد ﷺ جان خویش را فدای او
 کرد و در رختخواب او آرمید و كسى كه در بدر و احد گردن
 گردنكشان را در برابر حق شكست و جبرئیل ندای «لافتى أأا
 على» در داد و كسى كه در روز خيبر پرچم به دست گرفت و
 دشمن را شكست داد و در خيبر را از جای در آورد.

و خدا «هل اتى» برایش نازل کرد و همان كه انس از
 گواهی دادن دریغ ورزیدن و به مرض برص گرفتار گشت،
 آن‌گاه كه على گواهی خواست كه چه كس در غدیر شاهد بود.
 اذ قال من يشهد بالغدير لى فبادر السامع و هو قد نكص
 فقال انسيت فقال كاذب سوف ترى مالا توارية قمص
 آن‌گاه كه على فرمود چه كسى جریان غدیر را به نفع من
 گواهی می‌دهد، شنونده‌ای شنید و گام عقب نهاد و گفت
 فراموش کرده‌ام. فرمود دروغ گفتی سپس خواهی دید اثر
 نفرین را كه با پیراهن و آستین نتوانی پوشیده بداری.

تا آنجا كه در رائيّه‌ای گوید:

من قال احمد فى يوم الغدير له بالنقل فى خبر بالصدق مأثور
 قم يا على فكن بعدى لهم علماً واسعد بمنقلب فى البعث، محبور...
 آن كه پیامبر، در روز غدیر خم به او، برابر خبر راست و

درست فرمود ای علی بایست بعد از من پیشوا و رهبر باش. مولای آنان و سرپرستشان تو هستی که خدای عرض فرمان داد برسان تا بهترین مأمور باشی و اگر نکنی فرمان مرا اجرا نکرده‌ای.

و در هائیه‌ای دیگر گوید:

مَنْ فَرَضَ الْمُصْطَفَى وَوَلَّاهُ عَلِيَّ بْنَ الْاَبِي طَالِبٍ
 الخلق بیوم «الغدیر» اذ رفعه
 علی آن کسی است که محمد مصطفی در روز غدیر خم او را بالا برد و ولایتش را فرض گردانید.
 و در رائیه دیگر:

اقیم بخم للخلافة حیدر و من قبل قال الظهر ماليس ينكر...
 حیدر در غدیر خم به پا داشته شد و بیشتر نیز پیامبر پاک، چیزی گفته بود که جای انکار نبود.^۱

بیست و یکم: ابوفراس ممدانی

حارث بن ابی العلاء حمدانی از شخصیت‌های چندبعدی است. او در مسابقه آرایش سخن، مورد ستایش است، هم‌چنان که در میدان جنگ و بسیج سپاه و لشکر، شجاع و سرآمد بوده است. معلوم نیست آیا او در سخنوری مهارت بیشتر دارد یا در امور نظامی و لشکری دلاورتر است. کوتاه سخن آن‌که در هر دو باب سرشناس و سرآمد بوده است.

۱. تاریخ بغداد، ۳۵۰/۱۱؛ یتیمه‌الدهر، ۱۹۸/۱؛ مرآةالجنان، ۳۴۹/۲؛ مجالس المؤمنین، ۴۵۶؛ الکنی و الالقاب، ۲۵۷/۲؛ زرکلی؛ الاعلام، ۶۵۹/۲ و جز آن‌ها.

او در سال‌های ۳۲۰ و یا ۳۲۱ هـ به دنیا آمد و در سال ۳۵۷ هـ کشته شد.^۱ ابواسحاق صابی مرثیه‌ای برای او سروده است: او به اهل بیت ارادت می‌ورزیده و طی سروده‌هایی روح تو سل به ساحت آنان را ابراز داشته و نکات نغز و حکمت‌آموزی را به نظم کشیده است:

از صبر نیکو هزینه کن. هرکس از صبر و شکیب خرج کند، بینوا نگردهد. مرد تا حرکت نکند به مقامی نرسد، چنان که عقاب در آشیانه به شکار نمی‌پردازد، بلکه در فضا به پرواز درمی‌آید.

غدیریّه ممدانی:

غدیریّه او میمیه‌ای است پنجاه و هشت بیتی که در دیوان مخطوطش محفوظ است. متأسفانه ناشر دیوان، ابیاتی را انداخته و تنها پنجاه و سه بیت آورده است. حمدانی در قصیده‌ای به نام «شافیه» در جواب شاعر متعصب عباسی که می‌خواست از شأن آل علی بکاهد، فضائلی را برشمرده است:

الحق مهتضم و الدین مخترم و فیء آل رسول الله مقتسم ...
حق پایمال شده و دین خلل برداشته و سهم آل رسول خدا به یغما رفته است.

فرزندان علی در شهرهایشان، به صورت رعیت می‌زیند در

۱. شذرات الذهب ۲۴/۳.

حالی که حکومت و زمام امور در دست سفلگان قرار دارد. شما آنچنان به ایشان فخر می‌فروشید که گویا پیامبر ﷺ جدّ و نیای شما بوده است، نه آن‌ها. روز غدیر پیامبر ﷺ با حضور فرشتگان و امت مسلمان به‌پاخاست و به نفع آن‌ها سخن گفت. اما پس از رحلت آن حضرت کار را شورایی کردند طوری که گویا صاحب حق را نمی‌شناسند. چرا! به خدا سوگند شناختند؛ لیکن نقاب بر روی حقیقت کشیدند.

برخی شاعران این قصیده را تخمیس کرده‌اند.^۱ او در مقام توسل به آل‌البیت گوید:

شفیع من احمد پیامبر و مولای من علی و دختر و دو سبط او
و فرزندان‌ش: علی، باقرالعلم و صادق امین بیان، موسی و علی و
محمدبن علی و علی و عسکری و امام مهدی است.^۲

بیست و دوم: ابوالفتح کشاجم

محمود بن محمد معروف به کشاجم از نابغه‌های امت و از یکه‌تازان میدان ادب و بلاغت که لقب او مشعر و گویای مزایای وجودی اوست: کشاجم مخفف کاتب، شاعر، ادیب، منشی و نگارنده و جواد، متکلم و منطقی و چون به دانش طب هم علاقه‌مند بود، گاهی او را «طکشاجم» می‌خوانده‌اند.

۱. الغدیر؛ ۴۰۲/۳؛ منن الرحمن، ۱/۱۴۳.

۲. اعیان‌الشیعة، ۱۸/۲۹۸-۲۲۹.

ابوالفتح معلم اخلاق بود و در این زمینه گفته است: ما با اهل محبت، وفا و عهد و پیمان داریم. می‌کوشیم مراتب برادری را نگهداریم اگر کسی گرفتار شد به او یاری می‌رسانیم. این خلق و خوی ماست که در حفظ مکارم اخلاق اهتمام داریم.

ابوالفتح اهل سیر و سیاحت بود و به کشورهای سفر کرده و آثاری ادبی برجای گذاشته است.

شگفت آن‌که نیای او، سندی بن شاهک در دشمنی اهل بیت مشهور است. در حقیقت ابوالفتح مصداق آیه شریفه «یخرج الحی من المیت»^۱ بوده است. او در سال ۳۶۰ هـ وفات یافته است.^۲

غدیریّه کشایم:

فجدهم خاتم الانبیاء و يعرف ذاک جمیع الملل...
 وقد علموا انّ یوم‌الغدیر بغدرهم جدّ یوم‌الجمل...
 نیای ایشان خاتم پیامبران است و همه مردم این را می‌دانند و پدرشان سرور اوصیاست که عطاکننده به بینوایان و هلاک‌کننده گردنکشان است. ابر آسمان، بارش از او آموخت و کوه، حلم و پایداری از وی یاد گرفت. چه بسا خدا به واسطه او آتش ضلالت و فساد را خاموش کرد و مشعل

۱. انعام، ۹۵.

۲. ثعالی، ثمار القلوب، ۱۳۶؛ شذرات الذهب، ۳/۳۷.

هدایت و رستگاری را برپا داشت. آنان دانستند که با نیرنگی که در غدیر خم^۱ به کار بستند، آتش جنگ جمل را برافروختند. ای گروه ستمگران که تلخی مصیبت را بر پیامبر صلی الله علیه و آله چشاندید.

این قصیده در نسخه خطی، چهل و هفت بیت است که در چاپ، بیت‌هایی را انداخته‌اند.^۱ او در لابه‌لای نظم، برخی حدیث‌ها را تفسیر کرده است از جمله حدیث منسوب به علی علیه السلام که فرموده:

﴿مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَسْتَعِدْ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا...﴾

برخی پنداشته‌اند هر که علی را دوست بدارد باید جامه فقر بر تن کند. دروغ گفته‌اند هر که علی را دوست بدارد جامه‌های غنا بر تن می‌کند.

سخن وصی را تحریف کردند و به راهی دیگر رفتند. آن حضرت فرمود: اگر دوست ما هستید و به ما مهر می‌ورزید، دنیا را رها کنید و وابسته و شیفته آن مباشید.

بیست و سوم: ناشی صغیر

ابوالحسن علی بن عبدالله از بزرگان علم کلام، سرآمد در فقه، نابغه در حدیث و پیشرو در ادب بوده و فضیلت‌هایی را در وجود خویش جمع کرده است. او کتابی درباره امامت^۲ دارد و

۱. الغدیر، ۴/۴.

۲. طوسی، فهرست، ۹۸؛ ندیم، ۳۰۳؛ ابن خلکان، تاریخ، ۱۹۳/۱.

دربارهٔ مدایح اهل بیت اشعار زیادی سروده است، که بعضی از آن‌ها بالغ بر سیصد بیت است.
 ناشی صغیر در ۲۷۱ هـ ولادت و در ۳۶۰ هـ وفات یافته است.

غدیریه‌ها:

علّامه امینی رحمته الله در کتاب بزرگ الغدير، غدیریه‌هایی از او با قافیه‌های (ج، ک و ب) آورده که به برخی شاه‌بیت‌ها اشاره می‌کنیم:

یا آل یاسین من یحبّکم بغیر شک لنفسه نصحا
 انتم رشاد من الضلال کما کل فساد بحبکم صلحا
 ای آل یاسین، هرکس شما را دوست بدارد بدون تردید، خیرخواه خویش بوده است. شما مایه رستگاری هستید و هر فساد و تباهی در پرتو وجود شما به صلاح تبدیل می‌شود.
 پدر شما احمد و مصاحب او هست که دانش‌ها به او عطا شده است؛ یعنی علی بن ابی طالب که در روز غدیرخم به تنهایی به امتیازی نایل آمد.

ذاک علی الذی تفرّد فی یوم خمّ بفضله اتّضحا
 آن‌گاه که میان مردم ایستاد. بازوی او را گرفت و گفت هر که را من مولای او بوده‌ام، وصی، به وحی الهی مولای اوست. و در قافیۀ ک می‌گوید:

و یوم الغدير ما یومۃ لیترک عذراً الی غادریکا

و روز غدیر: چه روزی که هرگونه عذر را برای
 نیرنگ‌بازان گرفت. قصیده معروف باینه:
 بآل محمد عرف الصواب و فی ایساتهم نزل الكتاب
 که سی و دو بیت است و از اوست. در قصیده‌ای دیگر:
 و صارمه کبیعتیه بخمّ مقاصدها من الخلق الرقاب
 و شمشیر او مانند بیعت او در غدیرخم برگردن مردم
 است. او در مدح اهل بیت نکته‌ای نادر سروده است:
 کان رسول الله اوصی بقتلکم و اجسامکم فی کل ارض توزع
 گویا رسول خدا سفارش کرده است که شما را بکشند که
 در هر سرزمینی اجساد شما، پخش شود!^۱

بیست و چهارم: بشنوی کردی

حسین بن داود بشنوی کردی از شاعران صریح‌گوی در ستایش
 اهل بیت و از طلابه‌داران پرچم بلاغت و از سراینده‌گان مبارز امامیه
 است که مذهب خود را در منظومه‌های خویش ابراز می‌دارد:
 به پروردگار سوگند به دامن ولایت چنگ زنده‌ام و به
 دوازده پیشوا از نسل پیامبر ﷺ معتقد هستم.
 بشنویّه، محلی است در شرق دجله که قبایل شیعه زیادی
 در آن مناطق ساکنند. علامه امینی در الغدیر طوائف بزرگی از
 آنان را نام برده است.

۱. معجم الادبا، ۲۳۵/۵.

بشنوی در اشاره به مراتب ولای خود به اهل بیت می‌گوید:

بهترین اوصیا از بهترین خاندان و نیک‌ترین طوایف، آن انسانی است که از لغزش مصون است؛ وقتی به صورت آن وصی بنگری در سخن و عمل خدا را پرستیده‌ای.^۱

غدیرتپه‌های بشنوی:

او در قصیده‌های نونیه، طائیه و دالیه‌اش به غدیرختم اشارت‌ها دارد:

لقد شهدوا عید الغدیر و اسمعوا مقال رسول الله من غیر کتمان ...
 همانا در عید غدیر حضور داشتند، دیدند و شنیدند که رسول خدا بدون پنهان‌کاری چه فرمود: آیا من برای شما از همه مردم، سزاوارتر نیستم؟ جواب دادند: آری هستی، ای بهترین انس و جن! آن‌گاه او بر روی منبری ایستاد و با صدای بلند و رسا، ولایت حیدر را اعلام کرد. بازوی او را گرفت و به همه از دور و نزدیک که می‌شنیدند، فرمود: علی برادر من است، همانند هارون نسبت به موسی پسر عمران، فرقی میان من و او نیست. پروردگارا، دوست علی علیه السلام را دوست بدار و دشمن او را دشمن و بر بدخواهش خشم گیر.
 او در غدیرتپه بانیه‌اش سروده است:

۱. کفایة الطالب، ۶۴-۶۵.

أترك مشهور الحديث و صدقة غداة بخرم قام احمد خاطباً ...
 آیا من حدیث صحیح و راست و مشهور روز غدیر خم را
 رها کنم؟ احمد رضی الله عنه سخنرانی کرد و فرمود آیا من برای شما
 مولانا نیستم؟ علی نیز همانند من است. ولی شما باید ولایت او
 را پذیرا باشید، امر واجبی را برای شما گفتم.

در غدیریة دالیه اش می سراید:

يوم الغدير لذي الولاية عيد و لذی النواصب فضله موجود...
 روز غدیر برای اهل ولایت و محبت عید است، اما
 فضیلت آن روز برای ناصبیان مورد انکار است. آن روز در
 آسمانها، روز عهد و معهود نامیده شده است...^۱
 بشنوی در سال ۳۸۰ هـ وفات یافته است.^۲

بیست و پنجم: صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵)

کافی الکفات اسماعیل وزیر، صاحب، پسر عباد، شاعر و ادیب
 قرن چهارم هجری قمری است. گاهی سخن گفتن درباره
 برخی شخصیتها، به دلیل عظمت و گستردگی ابعاد
 وجودیشان دشوار می نماید. صاحب بن عباد از آن اشخاص
 است که فضیلتها و برتریهای فراوان داشته که چون هاله ای
 سیمای او را پوشانده اند. علم و دانش او ستودنی است و ادب
 و بلاغتش قابل ستایش، کمتر کسی مثل صاحب از سوی ادبا

۱. ابن شهر آشوب، معالم العلماء ...

۲. ابن اثیر، اللباب ۱/۱۳۷.

و شعرای عصر خویش و پس از آن مورد تعریف و تمجید قرار گرفته و بعد از فوت او بسیاری از اهل شعر و ادب برای او مرثیه‌سرایی کرده‌اند.

بسیاری در شرح احوال او به‌طور مستقل کتاب نوشته‌اند.^۱ علامه امینی رحمته‌الله، به آثار علمی و ادبی و تاریخی او اشارت‌ها دارد. کتابخانه بزرگ او که توسط محمود سبکتکین سوزانده شد، برای جهان شیعه ضایعه‌ای سنگین بوده است. در عصر صاحب، دانشمندان نامدار و شاعران زباندار فراوانی می‌زیسته‌اند. علامه امینی رحمته‌الله، حدود چهل و دو تن ادیب و شاعر نام برده که صاحب را مدح و فضائل و کراماتش را مطرح کرده‌اند. اشعار صاحب در مدح اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فزون از حد است.^۲

غدیرتپه‌های صامب:

صاحب، قصیده‌ها و غدیریه‌هایی با قافیه «ل، ب» سروده است که برخی به قرار ذیل است:

قلت: فمن ساد فی «یوم‌الغدیر» ابن ققلت من کان للاسلام خیر ولی ...

گفت در روز غدیر چه کسی آقا و سرور مردم شد، روشن بیان کن. گفتم آن کسی که برای اسلام بهترین ولی و امام و

۱. رک: احمد بهمنیار، صاحب‌بن عبّاد، چاپ دانشگاه تهران.

۲. دمیة‌القصیر ۳۰۱/۱.

پیشوا بود. گفت چه کسی در حال رکوع انگشترش را زکات داد؟ ...

صاحب بعد از یاد فضائل فراوانی برای علی علیه السلام در میدان‌های جنگ و جهاد و در مزایایی در محراب عبادت و کارزار با نفس، چنین گفت:

قالت: فمن هو هذا الفرد سمه لنا فقلت ذاك امير المؤمنين
علی پرسید: کیست آن‌که این همه فضیلت و منقبت دارد، نام
ببر گفتم: او امیرالمؤمنین علی است.

در قافیه با: ای علی، همگن دختر محمد صلی الله علیه و آله، اگر تو نبودی
کفوی برای او نبود. ای اصل و ریشه عترت احمد، اگر تو نبودی
نسل احمد دوام نمی‌یافت. تو را ابوتراب لقب دادند، پس از آن که
مردم دنیاپرست دین و شریعتشان را با مشتی خاک معامله نمودند؛
ندانستند که وصی همان است که در محراب، زکات پرداخت.

لم يعلموا انّ الوصی هو الذی حکم الغدیر له علی الاصحاب
ندانستند وصی همان است که در روز غدیر به نفع او بر همه
اصحاب و یاران محمد، حاکم و امام قرار داده شد.

أفی یوم خمّ اذا اشاد بذکره و قد سمع الایضاء جاء و ذاهب...
در روز غدیر خمّ آن‌گاه که نام او را با صدای بلند خواند،
موضوع وصیت را همگان دریافتند.

بیست و ششم: گوهری گرگانی

او از افاضل ادبای گرگان، در قرن چهارم هجرت و تربیت

شدهٔ صاحب‌بن عباده بوده است. عباده از وی تعریف و تمجید کرده و به عنوان سفیر در نزد امیران و کارگزارانش می‌فرستاده است. گرگانی در حدود سال ۳۸۰ هـ پیش از وفات صاحب، وفات یافته است.

غدیریّه‌های گوهری:

از گوهری گرگانی غدیریّه‌هایی با قافیۀ «ن، و، راء» یاد شده است.

أما اخذت علیکم از نزلت بکم «غدیرخم» عقوداً بعد ایمان...
 آیا من هنگامی که در غدیرخم فرود آمدم از شما عهد و پیمان نگرفتم؟ و دست بهترین انسانی که در سرزمین بطحا گام می‌برداشت، از قوم مضر و عدنان بلندمرتبه را بالا نبردم؟ که این علی مولای هرکس است که من برای او مبعوث شده‌ام و ظاهر و باطن من در آن خصوص یکی بود و خدا نمی‌خواست که کوتاهی کنم و از شرح و بیان دریغ بورزم. این پسر عمو، صاحب منبر و برادر و وراث من است، نه دیگر برادران دینی و یاران من. او در مقایسه با من مانند هارون در مقایسه با موسی بن عمران است.

و در غدیریّه‌ای دیگر سروده است:

و غدیرخمّ لیس منکر فضله إلیّا زنیّم، فاجر کفّار...
 فضیلت غدیرخم را جز اشخاص بی‌اصل و نسب، بدکار و کافر و ناسپاس، انکار نمی‌کنند. آفتاب در بابل پس از غروب

بر چه کسی برگردانده شد؟ بیان کن. او دارای فضائل و مناقب فراوانی است، کجا اشعار می تواند به ستایش او احاطه یابد؟^۱

بیست و هفتم: ابن مجّاه بغدادی

حسین بن احمد نیلی بغدادی (م: ۳۹۰)، یکی از ارکان و اعیان طائفه و از نابغه های علم و دانش است که شهرت او در فن شعر، هنرهای دیگر او را تحت الشعاع قرار داده است.^۲ او بارها در بغداد پست حسبه (امر به معروف و نهی از منکر) را که مقامی بزرگ بوده و در صدر اسلام پیشوایانی متصدی آن بوده اند را بر عهده داشته است.

ثعالبی می نویسد: دیوان او به کمتر از شصت دینار، یافت نمی شد؛ زیرا اهل ادب به آن و نگهداری اش علاقه مند بوده اند. سید شریف رضی در زمان حیات او آنچه را به نظرش نیکوتر آمده، برگزیده و به ترتیب حروف الفبا سامان داده است.

حسین نیلی در ستایش امامان شیعه و یاد مناقب آنان، شعر فراوان گفته او قصیده فاییه را موقعی سرود که سلطان مسعود بن بابویه، برج و باروی مشهد علوی را ساخت و وارد آنجا شد.

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ۵۲۲/۱.

۲. رک: یتیمه الدهر، ۲۵/۳؛ ابن خلکان، تاریخ، ۱۷۰/۱؛ مخطوط، نسمة السحر و

جز این ها.

سال ولادت این شاعر اهل بیت معلوم نیست، اما وفاتش در سال ۳۹۱ هـ رخ داده است و به حسب ظاهر عمری طولانی کرده است.

غدیرتیه‌ها:

یا صاحب القبه البيضاء فی النجف من زار قبرک واستشفی لدیک
ای صاحب گنبد و بارگاه منور در نجف، هرکس قبر تو را
زیارت کرد و نزد تو شفا خواست، شفا یافت. سلام بر تو از
سوی خدا و سلام بر اهل دانش و شرف؛ ای مولا، من از
شهری دور آمده‌ام، دامن ولای شما را چنگ زده‌ام و امید
شفاعت تو را دارم؛ زیرا تو عروۃ‌الوثقیایی، هرکه به آن چنگ
زد بیمی ندارد... پاک نبودند آنانی که در برابر فضل و شرف
تو به ظاهر آفرین گفتند.

و با یعوک «بخم» تم آکدها محمد بمقال منه غیر خفی...
در غدیرخم با تو بیعت کردند. پس از آن که محمد ﷺ
آشکارا و بدون پنهان‌کاری سخن گفت آن مردم نافرمانی
کردند و سخن پیامبر ﷺ را که فرمود: «این برادر و جانشین
من است، هرکه به دامن او چنگ زد هیچ بیم و هراسی
نخواهد داشت.» به بوتۀ فراموشی سپردند.^۱

علامه امینی از این قصیده، بیست و پنج بیت آورده و می‌نویسد

۱. ر.ک: یتیمه‌الدهر، ۲۵/۳؛ ابن خلکان، تاریخ، ۱۷۰/۱؛ مخطوط، نسعة‌السكر و جز

که اصل آن «بالغ بر شصت و چهار» بیت است. در قافیۀ «ن» در جواب این سکرۀ ناصبی که نسبت‌های ناروایی به اهل بیت می‌دهد، سروده است، از جمله:

و قلت افضل من يوم الغدير اذا صحت روايته يوم الشعانين
و گفתי با فضیلت‌تر از روز غدیر، تازه اگر گزارش آن
درست باشد، روز «شعانین» است.
و نیز در جواب می‌سراید: با خدایت به دشمنی برخاسته و
از نعمتش بی‌پروا شدی، اما از قدرت الهی نتوانی جست.

بیست و هشتم: ابوالعباس ضبّی (م: ۳۹۸)

از ملازمان صاحب‌بن‌عباد و جزوکسانی است که پس از او زمام سیاست و رشته ادبیات را در دست گرفته است و ادبا از اطراف و اکناف به دربارش بار سفر بسته و به آرمان‌هایشان می‌رسیدند. شاعران نامداری، مانند مهیار دیلمی او را ستوده‌اند.^۱ علامه امینی اشعار فراوانی با مضامین بالا و ذوقی از او آورده است: به فراق و جدایی راضی مباش که آن بسیار تلخ است. خورشید را نمی‌بینی که به هنگام غروب از ترس جدایی، رخس زرد می‌شود؟ ضبّی در سال ۳۹۸ هـ وفات یافته است.

غدیرتیه او:

لعلی الظهر الشهير مجد اناف علی ثبیر

۱. مهیار دیلمی، دیوان، ۳/۳۴۴.

صنو النبي محمد و وصيه يوم الغدير
 و حليل فاطمه و وا لد شبر و ابوشبير
 برای علی علیه السلام آن مرد پاک و مشهور، مجد و شرفی است
 بلندتر از کوه «تیر». او داماد و پسرعموی محمد صلی الله علیه و آله بود و روز
 غدیر خم به وصایت و جانشینی او منصوب گشت. او شوهر
 فاطمه و پدر حسن و حسین است.^۱

بیست و نهم: امدین ممد انطاکی

ابوحامد احمدبن محمد انطاکی معروف به ابو رقعمق، ساکن
 مصر بوده ولی در شام بالیده و در ادبیات به شهرت رسیده
 است. انطاکی در سال ۳۹۹ هـ، درگذشته است. غدیریّه او
 نوزده بیت است، از آن جمله:^۲

لا والذی نطق النبی بفضله يوم الغدير
 ما للإمام ابی علی فی البریة من نظیر
 به خدا سوگند که پیامبر صلی الله علیه و آله به فضل و فضیلت او لب
 گشود، برای امام علی بن ابی طالب علیه السلام در میان خلق، ماندی
 نیست.^۳

سی: ابوالعلاء سروی

محمدبن ابراهیم سروی، شاعر یکتای طبرستان و تنها پرچم و

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ۵۵۰/۱.

۲. ابن خلکان، تاریخ، ۴۲/۱.

۳. یتیمه‌الدهر، ۳۹۶/۱.

نشان درخشان فضیلت در آن سامان و از سرایندگان قرن چهارم است. با ابن العمید نامه‌نگاری‌ها داشته و شعرهای نمکین و دارای نکته، سروده است. او در مدح اهل بیت قصائدی ساخته که علامه در الغدیر بزرگ به استناد منابع معتبر آورده است.

لو لم یکن لبنی الزهراء فاطمة من شاهد غیر هذا لکفی...
اگر فرزندان فاطمه زهرا در دنیا جز این شاهدهی نداشتند،
بس بود. پرچم اولاد زهرا سفید و روشن و آثار حق در آن
برای حق‌شناسان هویدا است؛ ولی پرچم بنی‌عباس تیره و آثار
گمراهی در آن پیدا است.

پیامبر ﷺ و دو سبط او و همسرش دارای مکانتی هستند
که قلم‌ها و کاغذها از شمارش آن‌ها درمی‌ماند و علی آن
کسی است که چه بسیار غم و اندوه از چهره رسول الله ﷺ
زدود و سپس فرزندان نورانی او پیشوایانند که تاج افتخار و
هدایت و امامت بر سر دارند.

غدیریه:

علی امامی بعد الرسول سیشفع فی عرصة الحق لی ...
علی پیشوای من پس از رسول الله است او در عرصة حق
برای من شفاعت خواهد کرد و من برای علی ﷺ
فضیلت‌هایی را ادعا دارم که بر عقل مشکل نیست. نمی‌گویم
او پیامبر مرسل است لیکن می‌گویم او به نصّ و بیان صریح،
امام و پیشواست و سخن رسول برای او که فرمود:

الا من كنت مولاً له فمولاه من غير شك على
بدانید هر که را من برای او مولا بوده‌ام پس، مولای او
بدون تردید علی بن ابی طالب است.^۱

سی و یکم: ابومحمد عونی

ابومحمد طلحه غسانی عونی از شاعران قرن چهارم هجری
است. شهرت اشعار او بی‌نیاز از تعریف است و کاروان‌های
ادبی آن‌ها نقل محافل بود. تشیع و دوستی اهل بیت در آثار او
ماندگار است و درباره آنان، قصیده‌ها و قطعه‌های بلند و بالا،
گاهی بالغ بر پنجاه بیت دارد.
آغاز آن چنین است.

وسائل عن العلی الشان هل نصّ فیہ الله بالقرآن؟^۲
و پرسشگری درباره علی بن ابی طالب آن انسان بلند مرتبت
می‌پرسد که آیا خدا در قرآن در خصوص او بیان صریح دارد؟

غدریّه او:

امامی له یوم الغدیر اقامه نبیّ الهدی ما بین من انکر الامرا
پیشوای من کسی است که پیامبر هدایت در روز غدیر خم
میان منکران و مخالفان، او را نشان داد... و ایستاد و سخن

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ۵۳۱/۱؛ ۷۳/۲.

۲. همان و روضة الواعظین و دیوان او، گردآوری سماوی، این قصیده به قصیده
طلایی مشهور است.

۳. ابن شهر آشوب، المناقب، ۵۳۲/۱.

راند و بعد از حمد و ثنای الهی، با صدای بلند و آشکار فرمود: بدانید این مرتضی، همسر فاطمه، علی مورد رضایت، داماد من - و چه داماد گرامی و بزرگواری - و وارث علم من و جانشین من در میان شماست. من از همه دشمنان و بدخواهانش به خدا برائت می‌جویم. آیا شنیدید، مطیع هستید و سخن مرا دریافتید؟ همگی گفتند، حکومت را از او بر نمی‌گردانیم...

و در لامیه‌ای گوید:

أليس رسول الله يخطبهم
 يوم الغدير و جمع الناس
 آیا رسول خدا در روز غدیر خم در جمع انبوه مردم سخنرانی نکرد؟ فرمود هر که را من مولای او بوده‌ام، این علی پس از من مولای اوست، او را برادر خود خواند و اگر امور را به دست آن پیشوای هدایتگر ابی‌الحسن می‌سپردند، برای مردم بس بود و راه‌ها ایمن می‌شد... .

سی و دوم: ابن حمّاد عبدی

ابوحسین علی‌بن حمّاد عبدی بصری، پدرش نیز در شمار شعرای اهل بیت است و می‌نویسد: همانا این عبد، بنده علی‌بن ابی‌طالب است چنان که حمّاد بنده ادیب شماست. پیش از من، پدرم برای شما مرثیه سروده و مرا سفارش کرده است که از قافله عقب نمانم و گام در جای پای او بگذارم. ابن حمّاد از سرشناسان شیعه و از عالمان یگانه و از

حافظان حدیث و از معاصران شیخ صدوق بوده است. او در شعر و ادبیات از پرچم‌دارانی است که نامش نیز در کتاب‌ها آمده است.

درباره امام علی علیه السلام و پیشوایان معصوم شیعه، اشعار زیادی سروده است. علامه امینی دوازده قصیده طولانی از او آورده که ستایش علی علیه السلام و مضامین اخبار و احادیث و فضایل اهل بیت را در بردارد.

۱. قصیده لامیه:

... و قام به الاسلام بعد اعوجاجه و جاء به الدين الحنيف يكمل ...
 در پرتو وجود علی علیه السلام کژی که به اسلام راه یافته بود، راست گردید و دین و آیین حنیف به کمال رسید.
 برادر مصطفی در روز «غدیر» و داماد و پسر عموی او که هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به غسل و کفن پیامبر پرداخت و آن‌که خورشید برای او برگشت و آن‌که احمد رضی الله عنه بر روی منبر اشاره به او کرد و فرمود: ای اصحاب من، این علی برادر من است، نه دیگری. این جبرئیل به من گفت علی علیه السلام پس از من جانشین و پیشواست هر طور خواست عمل می‌کند و هر که نافرمانی کند، گو این‌که محمد را نافرمانی کرده و نافرمان او، معصیت خدا کرده است. او جان من است و قرآن به این معنا ناطق است و من شهر علم هستم و علی باب آن. او سرور و سرپرست و صاحب اختیار شماست ...

۲. قصیده راثیه:

لعمرك يافتى يوم «الغدیر» لانت المرء اولی بالامور...
 به جانم سوگند در روز غدیر، تو ای جوانمرد! سزاوارترین
 فرد برای تصدی امور تعیین شدی و تو برادر بهترین انسان‌ها،
 محمد ﷺ هستی و در مباحله جان او محسوب شدی. تو
 داماد و پسر عموی پاک او و پدر حسن و حسین هستی. به
 امر پروردگار عقد ازدواج فاطمه زهرا برای تو در آسمان بسته
 شد.

۳. قصیده نونیه:

... من بلغ الدنيا ينصب وصيه يوم الغدير ليكمل الايمانا
 من ذا له يوم الغدير فضيلة اذلا تطبيق لفضله جحدانا...
 علی ﷺ آن‌که پیامبر ﷺ در روز غدیر با جانشینی او و
 رساندن آن پیام به جهانیان، ایمان را کامل ساخت. همان‌که
 برای او در روز غدیر فضیلتی است که ناهلان و منکران
 نمی‌توانند آن را تحمل کنند. در گفتار صریح احمد ﷺ
 مزایای وجودی او یاد شد که خدای متعال آن را به انسانی
 دیگر نداده است.

این قصیده بیست و هفت بیت دارد.

۴. قصیده راثیه دیگر:

يا عيد يوم الغدير عبدالهنا و السرور
 فضلك اضحى على امير كل امير...

روز غدیر چه عید بزرگی است. در این روز شادی و خرمی بازآید و علی علیه السلام امیر و سالار همه امیران و سالاران گردید. جبرئیل از سوی خدا پیام آورد و گفت ای احمد در کنار این «غدیر» فرود آی و برسان و گرنه اقدام به انجام مسئولیت نکرده‌ای ... این قصیده هم بیست و یک بیت است.

۵. رانیه‌ای دیگر:

ما لعلی سوی اخیه محمد فی الوری نظیر...
در جهان خلقت برای علی علیه السلام جز برادرش محمد صلی الله علیه و آله
مانندی نیست. آن‌گاه که قریش قصد جان محمد را کردند،
علی در بستر پیامبر خوابید و جان‌نثاری کرد ...
و قال فی خمّ ان علیاً خلیفة بعده امیر...
و در غدیرخمّ فرمود که پس از وی علی جانشین و امیر
است.

۶. نونیه‌ای دیگر:

و قال لأحمد بلغ قریشاً أنّ لک عاصماً ان تستکینا
فانزل بالحجیح «غدیرخمّ» و جاء به و نادى المسلمینا
خدا به احمد صلی الله علیه و آله فرمود به قریش برسان، اگر بیم داری،
من نگاهدارت هستم و اگر خبرها و پیام‌های مرا نرسانی، مبلّغ
امین نخواهی بود. پس در غدیرخمّ حاجیان را پیاده کرد و
مسلمانان را مورد خطاب قرار داد و دست علی را بالا گرفت
و به حاضران نشان داد. چه دست بزرگی و چه دست

بزرگواری او را بلند نمود و به مردم که همه می شنیدند فرمود: بدانید این برادر، وصی بر حق و جانشین، وفاکننده و پرداخت کننده دیون من است. شاهد باشید هر که را من مولای او بوده‌ام، علی مولای اوست. خدا دوست دار او را دوست، و بدخواه او را دشمن بدارد.

۷. قصیده‌ای میمیه:

یوم الغدیر لأشرف الايام و اجلها قدراً علی الاسلام
قال النبی بدوح خمّ رافعاً کفّ الوصی یقول للأقوام...
روز غدیر، شریف‌ترین روزها و با جلال‌ترین و
ارزشمندترین روز در اسلام است. روزی است که خدا امام و
پیشوای ما، یعنی جانشین پیامبر، علی علیه السلام را تعیین کرد.
پیامبر صلی الله علیه و آله در زیر سایه درختان خم، دست وصی را گرفت و
برای ما بالا برد و نشان داد و فرمود: هر که من مولای او
بوده‌ام، به وحی و فرمان خدا، این علی مولای اوست. در
زندگانی، او وزیر من است و پس از رحلت من جانشین من
خواهد بود. پروردگارا، دوستدار کسی باش که به ولایت او
اعتراف کند و برای دشمنش بدترین مرگ را پیش آور. پس از
آن دست‌ها برای بیعت پیش آمد و با آن کار، دین خدا به
کمال و سنت الهی به اتمام رسید.

۸. قصیده عینیه:

الم تسمع قوله صادقاً غداة الغدیر بماذا صدع

الا ان هذا وليّ لكم اطيعو فويل لمن لم يطع
 وقال له انت منى اخی كهارون من صنوه فاقنتع...
 آیا سخن راست پیامبر ﷺ را در روز غدیر نشنیدی که
 چه فرمان و امری صادر کرد؟ فرمود: این، ولی و مولای
 شماست از وی اطاعت کنید وای بر کسی که پیروی از او
 نکند و فرمود: تو نسبت به من ای برادرم، مانند هارون هستی
 نسبت به برادرش، قانع شد و فرمود تو باب و در شهر علم و
 دانش من هستی برای کسی که بخواهد وارد شود و بهره‌مند
 گردد و نیز فرمود او [علی] داورترین است و پیام برائت را او
 قرائت کرد. فریب مخور و در روز مباهله او را نفس و جان
 رسول خواند و در روز مؤاخات او را برادر خود خواند و
 مقامش بالا رفت...

شاعر یکایک فضائل علی عليه السلام را که در روایت‌ها آمده به
 نظم کشیده و ماندگار کرده است.

۹. با قافیة قاف:

یا سائلی عن «حیدر» اعیبتی انا لست فی هذا الجواب خلیقا
 اخذ الا له علی البریة کلها عهداً له یوم الغدیر وثیقاً ...
 ای آن‌که از من راجع به حیدر سوال می‌کنی و مرا خستی، من
 سزاوار جواب به چنین سوالی نیستم. خدا با نام خود «العلی» او را
 علی نامید و بدان وسیله مقام او بالای بالا رفت و از میان ماسوی او
 را برگزید و پیشوا و نشان هدایت قرار داد و خدا در روز غدیر خم

پیمان محکمی از مردم گرفت و آن روز که محمد ﷺ میان اصحابش طرح برادری ریخت او را برادر خود قرارداد و فرشتگان آسمان به امر الهی او را حیدر فاروق نامیدند و چون اولین اجابت کننده دعوت توحیدی محمد ﷺ بود، او را صدیق خواند. اگر این القاب را دیگری مدعی باشد، باید شاهد و دلیل بیاورد.

۱۰. با قافیۀ عین:

ترکوا سبیل الرشده بعد نبیهم سفهاً و تاهوا فی العمی و تسکعوا
 غدروا به یوم الغدیر و لم یفوا و لعهدہ المسئول منهم ضیعوا...
 آن مردم، به پیمان خود در روز غدیر خیانت کردند و شکستند و عهد او را پاس نداشتند و راه رشد را رها کرده و از روی سفاهت و بی‌خردی خود را در ضلالت به زحمت انداختند. ای تقسیم کننده آتش، صادقانه و همانند یک شیعه مؤمن سوگند می‌خورم که تو صراط مستقیم بر روی دوزخ هستی و پناه به تو باید جست. ای علی! در روز قیامت، حوض با آب سرد به دست توست، هر که را خواستی سیراب می‌کنی و هر که را خواستی بر می‌گردانی، کلیدها به دست توست. این را در آتش افکنی و آن دیگری را در بهشت اسکان می‌دهی. من در اعماق وجودم عشق و مهر تو را کاشته‌ام، هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.

۱۱. قصیدۀ هائیہ:

و ولّاه یوم الغدیر علی الوری فاصبح مولاها و کان امامها

علی آن عروة الوثقی و ریسمان محکمی است که هر کس بدان آویخت، رست. محمد ﷺ فقط با او عقد اخوت بست، نه با دیگران و به چه شرف بزرگی دست یافت و روز غدیر خم ولایت و سرپرستی او را بر ماسوی اعلام فرمود. پس پیشوا و امام همگان شد و در راستای همان امامت با پیمان شکنان جنگید و با قاسطان و ستمگران کارزار کرد و با شمشیر عدل، خون مارقان و بی دینان را ریخت.

۱۲. قصیده دالیه:

ولاء المرتضى عددى ليومى فى السورى و غدى
امير النحل مولى الخلق فى خم على الابد
ولای علی مرتضی در جهان توشه امروز و فردای من
است. آن امیر مؤمنان که در غدیر خم برای همیشه منصوب شد
که فردایش دست‌ها برای بیعت دراز گردید. او در فضیلت،
مانند مصطفی بود، نه کم و نه زیاد؛ در کتاب جنب الله و عین
الله خوانده شد هرگز گیتی، کسی مثل او نرزد. او بود که در
جنگ‌های بدر، احد اندوه از چهره پیامبر ﷺ زدود.
علّامه امینی می‌گوید، از این شاعر غدیر، غدیریّه‌های
دیگری نیز وجود دارد که نیاوردم.

ابن حماد از شاعران قرن چهارم هجری است و ولادت و
فاتش روشن نیست؛ اما آثارش او را جاویدان کرده و
اشعارش در همه جا پخش است.

سی و سوم: ابوالفرج رازی، محمدبن هندو

آل هندو از خانواده‌های امامیه‌اند که پرچم نشر دانش و ادب را به دوش داشتند و صاحبان فضیلت بوده، در نویسندگی و شعر نیز پیشرو بوده‌اند. ابن شهر آشوب، محمدبن هندو بزرگ این خاندان را از شاعران پارسای اهل بیت علیهم‌السلام برشمرده است و نیز از کسان دیگرشان که در حکمت و فلسفه و طب سررشته داشته‌اند، یاد شده است.^۱

غدیریّه او:

تجلّی الهدی یوم «الغدیر» علی و برّز ابریزالبیان عن الشبهه ...^۲
در روز غدیرخیم، هدایت بر همانندی تجلی کرد و طلای ناب بیان، از ناخالصی و شبهه‌ها عاری گشت. پروردگار عرش، دین مردمان را کامل نمود، آن‌طور که قرآن نزول یافته آشکار ساخت. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آن جمع، دست علی علیه‌السلام را که از هر جهت از دیگران برتر است، بالا برد و فرمود: آگاه باشید هر که را من برای او مولی بوده‌ام، این [علی] برای مولاست، چه منقبت بزرگی.

سی و چهارم: جعفر بن مسین

جعفر بن حسین از شعرای پاسدار مکتب اهل بیت در قرن

۱. طبقات الأطباء، ۱/۳۲۳؛ فوات الوفيات، ۲/۴۵.

۲. ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۵۳، چاپ ایران.

چهارم است. او در جواب یکی از شعرای متملق بنی عباس که در توصیف و ستایش آنان شعر می سرود و شیعه را مورد بی احترامی قرار می داد، چنین سروده است.

به آن شاعر بدکار که از روی نادانی دینش را فروخت و به طمع مال دنیا گمراهان را ثنا گفت، بگو: نفرین بر تو، تو از رازهای امامت چه می دانی؟ امامت با نصّ است.

کمقاله فی یوم «خَمّ» لِحیدر لَمّا اقامه ...
مانند کلام او (پیامبر) برای حیدر در روز غدیر خم که او را برپا داشت و فرمود: «هر که من مولای او بوده ام، این (علی) مولای اوست و سخن خود را به گوش همگان رسانید. تو از اهل اطلاع بپرس از گفتارت پشیمان خواهی شد.»

سی و پنجم: ابونمیب طاهر جزری

او از شاعران اهل بیت در عصر عضدالدوله بوده^۱ و غدیریّه ذیل به او منسوب است.

عید فی یوم «الغدير» المسلم و انکر العید علیه المجرم...

مسلمان روز غدیر را عید گرفت و شخص مجرم و تبهکار منکر آن شد.

ای منکران جایگاه روز (غدیر) و کلامی که رسول خدا به

۱. معجم الادباء، ۴/۲۶۱.

آن لب گشود، مرگ بر شما باد. خداوند تعالی در آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» نازل فرمود و آیه «الیوم اتممت علیکم نعمتی» فرو فرستاد «نصب» و «تعیین» امام، بزرگ‌ترین نعمت بوده است.

علامه امینی می‌نویسد: ما برخی غدیریّه‌ها را از شاعران قرن چهارم آوردیم. درباره آنان تحقیق بیش از این میسر نبود و زیاد دنبال نکردیم.